

THE REINCARNATION

IN THE LIGHT OF THE TORAH

THE ZOHAR GNOSIS

THE HADITH AND SUFISM



رینکارنیشن
درنورتورات
درعرفان زوهر
حدیث و تصوف

قانون های انتقال روح
Metempsychosis یا متمپسیسوز
بازگشت رخ دادن دوباره
و رینکارنیشن

مولانا - سامائل اون وئور Samael Aun Weor - عیسی مسیح - الیاس -
یحیی John The Baptist - محمد (احمد) - حدیث - صحیح البخاری - روح القدس - ابن عربی
- خاتم انبیاء - مهدی - امام غایب -

**THE REINCARNATION
IN THE LIGHT OF THE TORAH
THE ZOHAR GNOSIS
THE HADITH AND SUFISM**

**LAWS OF TRANSMIGRATION OF
SOULS OR METEMPSYCHOSIS
OF RETURN RECURRENCE
AND REINCARNATION**

- Rumi - Samael Aun Weor - Jesus The Christ - The Prophet Elijah - John The Baptist -
Muhammad Ahmad - The Hadith - Sahih al-Bukhari - The Paraclete - Ibn Al-Arabi - The Seal of
Sainthood - The Mahdi - The Hidden Imam -



در نور عرفان استادان محترم سامائل اون وئور V.M SAMAEL AUN WEOR (ماینتریا بودا The Maitreya Buddha، Sosioch، کالکی آواتار عصر جدید آکواریوس و پنجمین فرشته آپوکالیپس)، استاد محترممان، استاد ربولو V.M RABOLÚ (پیامبر الیاس و رینکارنیشن پیامبر یحیی) و استاد محترممان، استاد تات موسی V.M THOTH-MOISÉS (رینکارنیشن پیامبر موسی) در مورد این قوانین، اینجا بصورت خلاصه توضیح میدهند:

In the Light of THE GNOSIS of Our V.M. SAMAEL AUN WEOR (the Maitreya Buddha, Sosioch, the Kalki Avatar of the New Age of Aquarius, and the Fifth Angel of the Apocalypse), of Our V.M. RABOLÚ (the Prophet Elijah Reincarnate, John the Baptist Reincarnate), and of V.M. THOTH-MOISÉS (the Prophet Moses Reincarnate), the explanations of these Laws are, very synthetically, the following:

«انتقال روح» یا «متمپسیسوز» "Metempsychosis" یک پروسه تکاملی از چرخه روح عنصری است که در حال تکامل است. ابتدا در قلمرو جمادات، سپس در قلمرو گیاهان و بعد از قلمرو حیوانات، به قلمرو انسان میرسد.

"Transmigration of Souls", or "Metempsychosis", is the evolution process of an elemental soul's spark, evolving first in the mineral kingdom, then in the vegetable kingdom, later in the animal kingdom, until it reaches the human kingdom.

شاعر ایرانی، فیلسوف و صوفی عارف، رومی (جلال الدین رومی، «مولانا»)، در کتاب شعر بلند «مثنوی» معنوی شعری را در مورد انتقال روح یا متمپسیسوز Metempsychosis نوشته است. (این نباید با رینکارنیشن اشتباه گرفته شود):

«از جمادی مردم و نامی شدم	و ز نما مردم به حیوان برزدم
مردم از حیوانی و آدم شدم	پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم؟
حمله دیگر بمیرم از بشر	تا برآرم از ملایک پر و سر...»

The Persian Poet, Philosopher, and Sufi Mystic Rumi (Djalal-od-Din Rumi, "Mawlana"), in his extensive Poem called "The Mathnawi", or "Masnavi", wrote the following verses about the Transmigration of Souls, or Metempsychosis (which is not to be confused with the Law of Reincarnation):

"I Died as a mineral and became a plant,
I died as plant and rose to animal,
I died as animal and I was Man.
Why should I fear? When was I less by dying?
Yet once more I shall die as Man..."

هر روح وقتی در داخل یک ارگانیسم انسانی قرار می گیرد توسط قانون خدا ۱۰۸ بار بصورت انسان با توجه به قانون علت و معلول یا قانون کارما به این جهان باز می گردد.

Once inside a human organism, every soul is allotted by God's Law 108 human returns, or 108 human existences, according to the Law of Cause and Effect, or The Law of Karma.

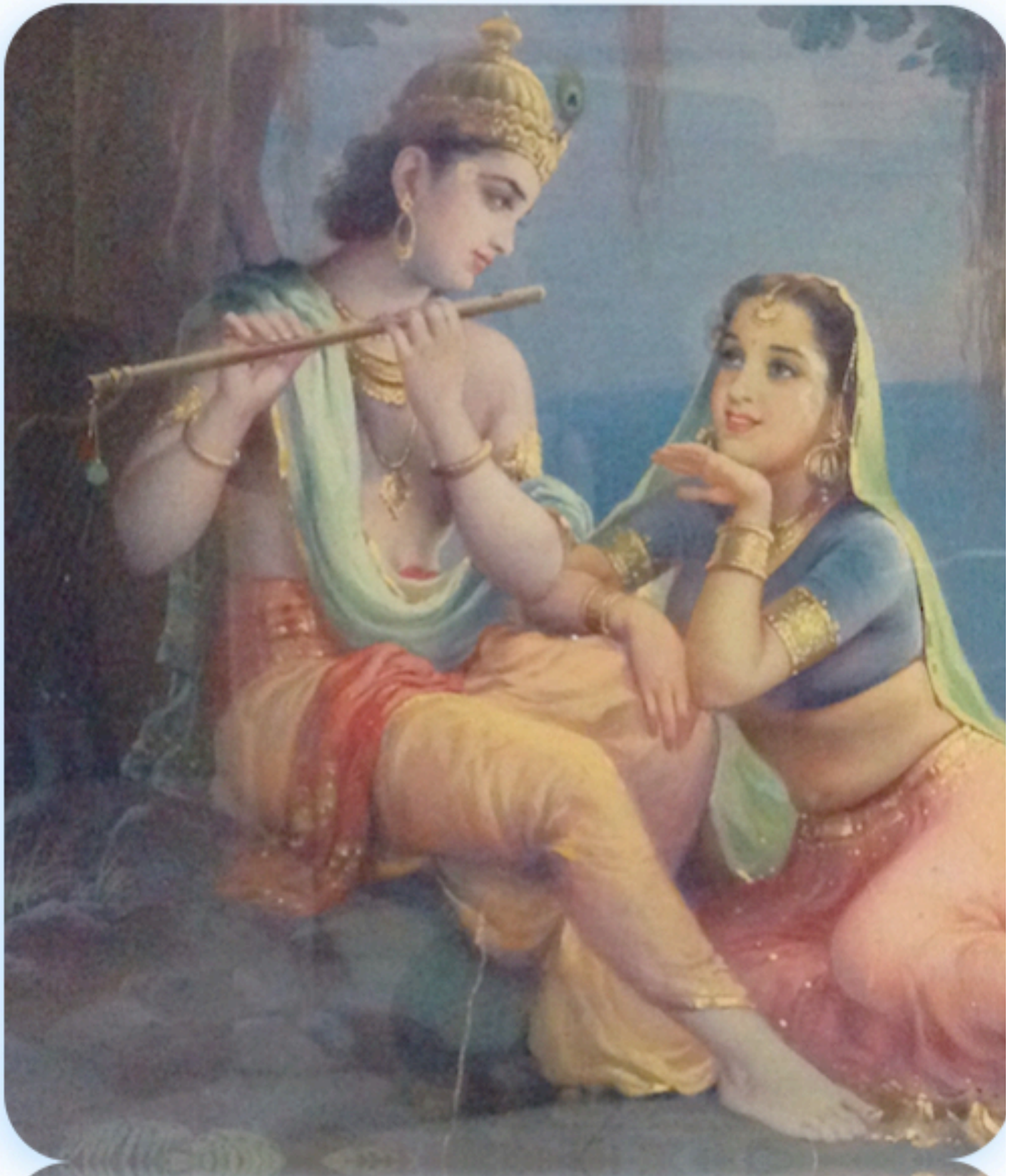
اگر در پایان ۱۰۸ بار روح نتواند خودش را از چرخه یه تکامل صعودی و نزولی زندگی، که چرخه «سامسارا» نامیده میشود و خط افقی زندگی است (تولد، رشد، تولیدمثل و مرگ) نجات دهد، وارد سیرنزولی طبیعت میشود.

If at the end of the 108 human existences a soul does not free itself from the Evolutionary and Involuntary Wheel of Nature, called "The Wheel of Samsara", which is the horizontal path of life (to be born, grow, reproduce, and die), it enters the involuntary processes of Nature.

«اجازه بديد جنبه ی دیگری را در مورد متمدیسوسوز Metempsychosis یا انتقال روح مثال بزنم. خیلی اشتباهاتی که در مورد متمدیسوسوز فیثاغورثی... [توضیح مترجم: فیثاغورث و طرفدارانش به آن اعتقاد داشتند] وجود دارد بخاطر آن است که مردم بخوبی آگاه نیستند، برادران، آنها خوب آگاه نیستند؛ این یکی از مشکلاتی است که ما داریم. ما باید اشتباههای زیادی را رد کنیم. و آشکار است کسانی که بر روی اشتباهایشان تعصب دارند، بر علیه ما، با عصبانیت واکنش تند نشان می دهند اما حقیقت، حقیقت است و باید در مورد آن صحبت شود. متمدیسوسوز فیثاغورثی را نباید با رینکارنیشن روح اشتباه گرفت؛ یک چیزی را با چیز دیگری اشتباه نکنید. متمدیسوسوز همان آموزه های لرد کریشنا در حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در هند است. بر اساس آن «متمدیسوسوز» یا «انتقال روح» به معنای پروسه تکامل در جهت صعودی و نزولی از چرخه سامسارا است.

"Let us examine another aspect. The one that is called METEMPSYCHOSIS, or TRANSMIGRATION OF SOULS. Many mistake Reincarnation for Pythagorean Metempsychosis... It is because people are not well informed, brothers, they are not well informed; that is one problem that we have. We must refute a lot of mistakes. And it is clear that those who are, let us say, totally fanaticized with such mistakes react furiously against us; but truth is truth, and it must be spoken, whatever it costs: Pythagorean Metempsychosis is not the Reincarnation of Souls; do not mistake one thing for another. Metempsychosis is the same Doctrine of Transmigration taught by Lord Krishna in India about 1,000 years before Jesus Christ. By "Metempsychosis", or "Transmigration", are meant all of the Evolutionary and Involuntary processes of the WHEEL OF SAMSARA.

بدون شک، هر روح ۱۰۸ بار موجودیت پیدا می کند تا به شناخت درون برسد. غیر قابل انکار است که اگر در مدت این ۱۰۸ بار موجودیت روح نتواند به درک نفس (رسیدن به توانایی های درونی از طریق خودشناسی)، Self-Realization دست یابد در سیر نزولی جمادات فرو میرود: آن به داخل ارگانسیم سیاره ای پائین میرود و مجبور است تا مراحل مینرال، گیاهی، حیوانی را طی کند و دروسی را دوباره بیاموزد و تکرار کند. وقتی این سیر تکاملی نزولی تمام میشود همانطور که در کتاب «آپوکالیپس» "Apocalypse" یوحنا و در انجیل حضرت مسیح گفته شده است، مرگ دوم فرا میرسد تمام ایگو [جمعیت یا لژیون شیطانی- من، یا تمام مشکلات روانی] به خاکستر تبدیل میشود و ذات روح دوباره آزاد میگردد (چیزی که به عنوان روح در درون ما وجود دارد) در نور خورشید، رستاخیز پیدا میکند و ذات خدایی در آن روح نائل میشود. صعود جدید و فرایند پروسه صعودی دوباره آغاز می گردد. از یک سنگ سخت شروع شده، به قلمرو گیاهی ادامه پیدا کرده، به مرحله حیوانی رفته و در نهایت به قلمرو انسانی میرسد. ذات روح آزاد شده، اکنون با شرایط انسان بودن تطابق دارد چیزی که زمانی آن را از دست داده بود. وقتی به چنین پیروزی دست یافت، روحی که به ارگانسیم انسانی وارد شده است ۱۰۸ بار دیگر این فرصت را دارد تا به درک نفس و نیروهای درونیش از طریق خودشناسی Self-Realization بپردازد. در طول این مدت اگر نتواند به درک و فضائل اخلاقی خودش نائل شود دوباره این پروسه ها تکرار خواهد شد: تکامل صعودی و نزولی، غیره، غیره، غیره، دوباره اتفاق می افتد. این چرخه ی سامسارا است؛ که همان متمدیسوسوز Metempsychosis (فیثاغورث) است، که بسیاری با رینکارنیشن روح اشتباه می گیرند؛ که آموزه های لرد کریشنا، آواتار بزرگ هندو، (تعالیم نوشته شده در ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح) است. من فکر میکنم که شما الان



می دانید که متمپسیسوز، Metempsychosis یا انتقال چیست. این قطعا نقطه مهمی در عرفان است. نقطه ای مهم، که برادران من؛ شما باید عمیقا درک کنید، بطور کامل... من می خواهم که شما یک دانش آموز واقعی باشید، جدی باشید، برای مطالعه این پیامی که، در عصر جدید آکواریوس به بشریت داده شده است.» (استاد محترم سامائل اون وئور V.M. Samael Aun Weor)

Undoubtedly, every Soul is given 108 Existences for its Self-Realization. It is unquestionable that if during those 108 Existences the soul does not attain Self-Realization, then it enters the Submerged Mineral Involution: It descends on the inside of the planetary organism, recapitulating human, animaloid, vegetaloid, and mineraloid processes. When such a recapitulation of a rather involutory, regressive, descending type has been done, then the Second Death (which is spoken of in St. John's "Apocalypse" and in our Lord the Christ's Gospel) comes, and the Ego [the multitude or legion of I-devils, or psychological defects] is reduced to ashes, and the liberated, emancipated Essence (what there is of Soul within us) resurfaces again, in the Sunlight. New ascending, evolutionary processes start off again, beginning from the hard stone, continuing through the vegetable state, going through the animal stage, and finally reaching the human state. Thus the Essence or the liberated Souls reconquer the Human State they once lost. When such a reconquest is achieved, the Soul that has entered human organisms is given other 108 Lives; and if it attains Self-Realization during that process, then, great, but if during that time it does not attain Self-Realization, then the process is repeated: Involutions and Evolutions, etc., etc., etc., take place again. That is the Wheel of Samsara; that is the Pythagorean Metempsychosis, which many mistake for the Theory of Reincarnation of Souls; that is the Doctrine of our Lord Krishna, the Great Hindu Avatar. (Doctrine that he preconized about 1,000 years before Jesus the Christ). I think that you have now understood what Metempsychosis, or Transmigration, is. This is a definitely revolutionary point of Gnosis. An important point, my dear brothers; a point that you must understand deeply, thoroughly... I want you to be truly studious, to be serious, to study this message that is being delivered to humanity for the New Age of Aquarius." (V.M. Samael Aun Weor).

«رینکارنیشن فقط مختص اشخاص مقدس و روحانی است...»
«... هستی، الوهیت، در بعضی از انسان های کامل تجسم پیدا میکند و می توانند دوباره بازگردند...»
«آموزه های آواتار بزرگ کریشنا به ما می آموزد که فقط خداها، دمیگادها Demigods پادشاهان الهی، تایتان ها Titans، دواها Devas، می توانند دوباره تجلی یابند. این تجلی دوباره، با بازگشت متفاوت است:
بازگشت Kalpas, Yugas, Manvantaras, Mahapralayas، [توضیح مترجم: دوره های کیهانی در تمدن و فرهنگ هند] غیره، غیره و غیره. غیر قابل انکار است.»

" REINCARNATION is only for SACRED INDIVIDUALS..."

"... the Being, the Lord INCARNATED in some perfect creature can return, RE-INCARNATE..."

"The Doctrine of the Great Avatar KRISHNA teaches that only Gods, Demigods, Divine Kings, Titans, and Devas RE-INCARNATE. RETURN is something very different: The RETURN of KALPAS, YUGAS, MANVANTARAS, MAHAPRALAYAS, etc., etc., etc. is unquestionable."

«قانون بازگشت ابدی همه چیز، با قانون رویداد مجدد آن همراه است. ایگوها بی وقفه برمیگردند و تمام صحنه ها و درام ها و وقایع در اینجا و اکنون تکرار میشوند. گذشته از طریق حال بر آینده انعکاس پیدا میکند.»

(استاد محترم سامائل اون وئور V.M. Samael Aun Weor).

"The Law of eternal return of all things is always combined with the Law of RECURRENCE. The EGOS return incessantly to repeat dramas, scenes, events here and now. The past is projected into the future through the alley of the present." (V.M. Samael Aun Weor).

«درواقع کلمه «رینکارنیشن» "Reincarnation" به خودی خود توضیح میدهد، برادران عزیز من؛ ما میدانیم «اینکارنیشن» "Incarnation": فرود آمدن الوهیت به یک انسان است، و «رینکارنیشن» "Reincarnation" به معنی تکرار و فرود به یک ارگانسیم جدید انسانی است. بدین معنی که آن اساسا حکمت است.»
(استاد محترم سامائل اون وئور V.M. Samael Aun Weor).

"Indeed the word Reincarnation itself says it, my dear brothers; "INCARNATION", we already know what "Incarnation" is: The descent of the Deity to a Man, and "REINCARNATION", then, means the repetition of that descent to a new human organism. That is basically the Doctrine." (V.M. Samael Aun Weor).

عیسی مسیح شهادت میدهد که حضرت یحیی John The Baptist همان پیامبر الیاس است:

- ۷ چون شاگردان یحیی می‌رفتند، عیسی با آن جماعت درباره یحیی آغاز سخن کرد و به جماعت گفت: برای دیدن چه چیز به بیابان رفته بودید؟ برای دیدن نی ای که از باد در جنبش است؟
- ۸ اگر نه، پس برای دیدن چه رفتید؟ برای دیدن مردی که جامه ای لطیف در بر دارد؟ آنان که رخت فاخر می‌پوشند در خانه‌های پادشاهان می‌باشند.
- ۹ پس برای دیدن چه رفتید؟ برای دیدن نبی؟ بلی به شما می‌گویم کسی که از پیامبر نیز برتر است!
- ۱۰ زیرا او همان است که درباره اش نوشته شده: اینک پیام آور خود را پیشاپیش تو می‌فرستم که راهت را پیش رویت مهیا خواهد کرد.
- ۱۱ همانا به شما می‌گویم که بزرگتر از یحیی تعمید دهنده، از مادری متولد نشده است، اگرچه او در ملکوت آسمان، کوچکترین است و قلمرو بهشت از وی بزرگتر است.
- ۱۲ از زمان یحیی تعمید دهنده تا کنون، پادشاهی آسمان نیرومندان به پیش میرود و زورآوران ان را تصاحب می‌کنند.
- ۱۳ زیرا همه ی پیامبران و تورات تا زمان یحیی نبوت می‌کردند.
- ۱۴ و اگر بخواهید بپذیرید، یحیی همان الیاس است که خواهد آمد.
- ۱۵ هر که گوش شنوا دارد بشنود.
(انجیل مقدس متی ۱۵-۷:۱۱)

JESUS THE CHRIST BEARS TESTIMONY THAT JOHN THE BAPTIST WAS THE PROPHET ELIJAH'S REINCARNATION:

7 And as they departed, Jesus began to say unto the multitudes concerning John [The Baptist], What went ye out into the wilderness to see? A reed shaken with the wind?

8 But what went ye out for to see? A man clothed in soft raiment? behold, they that wear soft clothing are in kings' houses.

9 But what went ye out for to see? A prophet? yea, I say unto you, and more than a prophet. 10 For this is he, of whom it is written, Behold, I send my messenger before thy face, which shall prepare thy way before thee.

11 Verily I say unto you, Among them that are born of women there hath not risen a greater than John the Baptist: notwithstanding he that is least in the kingdom of heaven is greater than He.

12 And from the days of John the Baptist until now the kingdom of heaven suffereth violence, and the violent take it by force.

13 For all the prophets and the law prophesied until John.

14 And if ye will receive it, this [John The Baptist] is Elias, which was for to come.

15 He that hath ears to hear, let him hear.

(The Holy Gospel According to St. Matthew 11:7-15).

در یک حدیث از حضرت محمد (روایت هایی از سخنان و اعمال حضرت محمد) معروف به «صحیح البخاری» (۲۷۹۷) نوشته شده، حضرت محمد گفت: «قسم به آنکه جانم در دست اوست! دوست داشتم که در راه خدا نه یکبار و دوبار، که چندین بار زنده گشته و بار دیگر کشته شوم.» (صحیح البخاری ۲۷۹۷). صحیح البخاری مجموعه ای از حدیث گردآوری شده بوسیله البخاری است که توسط اکثریت جهان اسلام به رسمیت شناخته است و مجموعه ای از سخنان و اعمال پیامبر اکرم است.

In a Hadith (Narratives of the Prophet Muhammad's Words and Actions) known as "Sahih al-Bukhari" (2797), it is written that the Prophet Muhammad said:

"By Him in Whose Hands my soul is! I would love to be martyred in Allah's Cause and then come back to life and then get martyred, and then come back to life again and then get martyred and then come back to life again and then get martyred." (Sahih al-Bukhari 2797).

Sahih al-Bukhari is a collection of Hadith compiled by al-Bukhari, and is recognized by the majority of the Muslim world to be one of the most authentic collections of the Prophet Muhammad's Sayings and Deeds.

اشاره به Reincarnation در آموزه های ابن عربی:
شیخ الاکبر ابن العربی (۱۲۴۰-۱۱۶۵) خود را «خاتم ومهرونشان حضرت محمد» معرفی میکند. (۱)، «خورشید غرب» («مهدی») (۲) منتظر در پایان زمان... بدیهی است همه موارد بالا بدون تردید به رینکارنیشن ابن عربی در پایان زمان اشاره دارد...

Allusion to Reincarnation in Ibn Al-Arabi's Teachings:

Shaykh Al-Akbar IBN AL-ARABI (1165-1240) identified him self as "THE SEAL OF MUHAMMADAN SAINTHOOD" (1), "THE SUN OF THE WEST" ("THE MAHDI") (2) awaited IN THE END TIMES... Evidently, all the above unquestionably alludes to IBN AL-ARABI's Reincarnation at the End Times...

(۱) «ابن عربی مستقیماً اشاره میکند که خود در واقع خاتم است. بطور مثال در شعری در شروع بخش ۴۳ کتاب فتوحات میگوید: من بدون هیچ شکی، خاتم قدوسیت هستم که در آن من وارث هاشمی و مسیاح Messiah هستم.»
«بدیهی است که هاشمیت به معنای حضرت محمد میباشد و مسیاح یکی از نام های قرآنی عیسی است که همانطور که دیدیم، اولین معلم و استاد ابن عربی است.» («از کتاب مهر مقدسین»، «نبوت و تقدس در آموزه های ابن عربی» Michel Chodkiewicz).

(۲) «... «خورشید غرب» (شمس الغرب) [همان مهدی است...].» «... همانگونه که مهدی

(همان ابن العربی است به عنوان عارف «خورشید غرب»...) «...»
«... صدیق (که همان خلیفه، ابوبکر است) شهادت میدهد که رداء محمد معرف اقتدار وی در
آغاز عصر خلافت جهانی است، حتی به عنوان مهدی (که همان ابن عربی به مانند عارف
«خورشید غرب» و خاتم انبیا) در روزهای آخر است.»
«ابن العربی کتاب Fabulous Gryphon»).

(1) "Ibn 'Arabi states directly that he himself is indeed the Seal. For example, a poem at the beginning of Chapter Forty-Three of the Futuhat reads: 'I am, without any doubt, the Seal of Sainthood In that I am the heir of the Hashimite and of the Messiah'."

"The 'Hashimite' obviously means the Prophet Muhammad, and the Messiah is one of the Qur'anic names for Jesus, who was, as we saw, Ibn 'Arabi's 'first teacher'." ("Seal of the Saints", "PROPHETHOOD 6 AND SAINTHOOD IN THE DOCTRINE OF IBN 'ARABI" Michel Chodkiewicz).

(2) "... the 'Sun of the West' (shams al-gharb) [= the Mahdi...]" "... as the Mahdi (= Ibn al-'Arabi as mystical 'Sun of the west')..."

"... The Siddiq (= the caliph, Abu Bakr) bears the Prophet's mantle, representing his authority in the beginning of the era of the universal caliphate, even as the Mahdi (= Ibn al-'Arabi as mystical 'Sun of the west' and Seal of sainthood) does in the latter days." ("Ibn al-'Arabi's Book of the Fabulous Gryphon").

پارا کلیت

«در ۲۴ جولای... (سال ۸۶۹)، «غیبت» «امام دوازدهم و آخرین امام» در «۵ سالگی» شروع شد، اگر چه او به یک مرد کامل و عالی شباهت داشت...»، او قیام کننده (قائم)، هدایت شده (مهدی)، منتظر، اثبات شده توسط خدا... امام غایب نامیده شده است.»
خیلی از نویسندگان مسلمان ادعا کردند که «تسلی دهنده دیگری»، «پارا کلیت» که توسط حضرت عیسی مسیح در انجیل یوحنا John the Apostle's Gospel (14:16) به وسیله خدا یا الله به حضرت موسی و عده داده شده (سفر تثنیه 18:18, 19)، حضرت محمد است.

(لطفا مطالعه ما را در این آدرس ببینید:

["THEY ARE TWO PROPHETS! Deuteronomy 18:15-19"](#)).

THE PARACLETE

"On a July 24... (of the year 869) the 'Occultation' of 'the twelfth and last Imam' began at the 'age of 5', although 'his likeness was that of a Perfect Man...', he who is called the Resurrector (Qaim), the Guided One (Mahdi), the Awaited One, the Proof or Guarantor of God... the hidden Imam."

Many Muslim writers assert that the "Another Comforter" ("Paraclete") foretold by Our Lord JESUS THE CHRIST in John the Apostle's Gospel (14:16) is the Prophet promised by GOD, by AL-LAH, to the Prophet MOSES (Deuteronomy 18:18,19), and they identify him with the Prophet MUHAMMAD:

(Please see our Study: "THEY ARE TWO PROPHETS! Deuteronomy 18:15-19").

«در تفسیر [تفسیر مترجم]» [ترجمه قرآن] Lic. M. Isa García («سوره ۶۱ قرآن الصف») نوشته شده که عیسی مسیح پیشگویی می کند که یک فرستاده ای پس از من میاید «که نامش احمد خواهد بود»، «یکی از نام های حضرت محمد» که بعد از او خواهد آمد:



In the "Traducción comentada [Annotated translation]" of "El Corán Traducción [The Qur'an Translation] Lic. M. Isa García" ("Surah 61. As-Saff The Ranks"), it is written that JESUS foretold that a Messenger "whose name shall be Ahmad", which is "one of the Prophet Muhammad's names", would come after Him:

« ۶. و هنگامی که عیسی مسیح، پسر مریم، گفت: «ای فرزندان اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما هستم تورات را که پیش از من بوده تصدیق می کنم و به فرستاده ای که پس از من می آید و نام او احمد است» [۱] بشارت کردم. اما وقتی برای آنان دلایل روشن آورد گفتند: «این سحری آشکار است.»

"6. And when Jesus, the son of Mary, said: "O Children of Israel! I am the Messenger of God unto you, confirming the Torah which came before me, and giving you glad tidings of a Messenger to come after me, whose name shall be Ahmad" [1]. But when He came to them with clear signs, they said [with outright unbelief]: "This is plain magic!"

۷. و چه کسی ستمگرتر از آن کس است که با وجود آنکه به سوی اسلام فراخوانده می شود مخالف خداست. خدا مردم ستمگر را راهنمایی نمی کند.

7. Who could be more wrong than the one who invents falsehoods against God, while he is being invited to Islam? God does not guide the wrongdoers.

۸. آنها قصد دارند نور خدا [پیام] را با دروغ های که از دهانشان خارج میشود، خاموش کنند و حال آنکه خدا نور خود را کامل خواهد گردانید اگر چه برای کافران ناخوشایند است.

8. They intend to extinguish the Light [of the Message] of God with falsehoods that comes out of their mouths, but God will bring His Light to perfection even though those who reject the Message dislike it.

۹. اوست کسی که پیامبر خود را با هدایت و دین حقیقت فرستاد تا آن را بر هر دینی پیروزگرداند هر چند مشرکان را ناخوش آید. (سوره ۶۱: ۶ تا ۹ «الصف»).

9. It is He Who has sent His Messenger with the Guidance and the religion of truth to make it victorious over all religions even though the idolaters dislike it."

(The Qur'an, Surah 61: 6-9 "THE RANKS").

« [۱] احمد به معنای «کسی است که کارش به ستایش رسیده است» است، یکی از نام های حضرت محمد است که دقیقاً ترجمه کلمه ی یونانی پریکلتوس periklytos است. در انجیل یوحنا، از کلمه پاراکلتوس paráklētos («تسلی دهنده» یا «میانجی گر») که بعد از عیسی مسیح، خواهد آمد، استفاده شده است. پاراکلتوس Paáklētos بازتابی از پریکلتوس periklytos یونانی است که همان نام آرامیک Mawhamana است. آرامیک زبانی بود که حضرت مسیح به آن صحبت میکرد، و اوریزینال متن های انجیل به این زبان بود که -اکنون گم شده- است. با نزدیکی آوایی پریکلتوس periklytos و پاراکلتوس paráklētos، جای تعجبی نیست، که مترجم یا -نویسندگان بعدی- این دو کلمه را اشتباه گرفته باشند. هر دو کلمه، Mawhamana آرامیک و پریکلتوس یونانی، periklytos هر دو به یک معنی هستند مانند دو تا نام پیامبر، محمد و احمد، هر دو از فعل حمیده («ستایش کردن») و اسم حمد («ستایش») مشتق میشوند. اما حتی

با فرض اینکه اورژینال متن از پاراکلتوس paráklētos صحبت کند، این متن در مورد پیامبر محمد صدق می کند که «رحمت برای همه موجودات است» (۲۱:۱۰۷) و «مهربان و رحیم برای مومنان» (۹:۱۲۸). «(ترجمه و تفسیر قرآن Lic.M. Isa Garsia)».

"[1]. Ahmad, "the one who gives the highest praise", one of the Prophet Muhammad's names, is almost the exact translation of the greek periklytos. The prophecy here pronounced is confirmed by John's Gospel where the word paráklētos ("comforter" or "advocate"), who would have to come after Jesus, appears. It is considered that paráklētos is a variant of periklytos, which is the greek form of the Aramaic name Mawhamana. Aramaic was the language spoken by Jesus, and in which the original -now lost- texts of the Gospels were composed. In view of the phonetic closeness of periklytos and paráklētos, it is not surprising that the translator -or a later scribe- confused these two 8 expressions. Both the Aramaic Mawhamana and the Greek periklytos have the same meaning as the two names of the last Prophet, Muhammad and Ahmad, both of which are derived from the verb hamida ("to praise") and the noun hamd ("praise"). But even supposing that the original text would indeed speak of paráklētos, the passage would also apply to the Prophet Muhammad, who is "a mercy for all beings" (21:107) and "kind and merciful to the believers" (9:128)." ("Traducción comentada El Corán [Annotated translation The Qur'an] Lic. M. Isa García").

پیامبر مقدس خدا - الله، محمد است، در نور عرفان و شیعه ی صوفی، «یک شفاعت کننده دیگر» یا «تسلی بخش»، روح القدس، روح حقیقت که از خدا حاصل میشوند.

The Holy Prophet of GOD-AL-LAH MUHAMMAD is, in the Light of Gnosis and Shiite Sufism, the "ANOTHER CONSOLER", or "COMFORTER", THE HOLY SPIRIT, the SPIRIT OF TRUTH who Proceeds from the FATHER.

در یک معنی پاراکلیت، «Paraclete» روح القدس است یکی از برترین بخش روحانی فرد در درون هر آفریده است، داماد مادر مقدس الهی ما. روح القدس و مادر الهی، یکی میشوند همانطور که در خاور دور زوج الهی و معنوی شیوا - شاکتی، نامیده میشوند.

In one meaning, the "Paraclete" is The Holy Spirit as one of the Higher Parts of the Spiritual Individual Being within every Being, Our Blessed Divine Mother's Bridegroom. The Holy Spirit and the Divine Mother integrate the Divine and Spiritual Couple of "SHIVA-SHAKTI", as they are called in the Far East.

معنی دیگر «پاراکلیت» "Paraclete"، پاراکلتوس "Paraklitos"، «شفاعت کننده»، «تسلی بخش» در انجیل یوحنا John the Apostle، در پرتو نور اسلامیت، بویژه در عرفان شیعه ی دوازده امامی «احمد»، می باشد که یکی از نام های حضرت محمد است.

In another meaning, the "Paraclete", "Paraklitos", "Consoler", or "Comforter", of John the Apostle's Gospel is identified in the Light of Islamism with "AHMAD", one of the Prophet MUHAMMAD's Names, and particularly in Shiite Gnosis with the TWELFTH IMAM.

«... «پاراکلیت» "Paraclete" که بوسیله حضرت مسیح پیش بینی شده، حضرت محمد است. با این وجود، بر اساس تفسیر شیعه، پیشگویی «پاراکلیت» "Paraclete" اشاره می کند به امام

قائم، امام غایب، که به همچنین، محمد نامیده شد که از دودمان پیامبر است، که علاوه بر این، حضرت محمد، از او، مانند خود دیگرش صحبت میکند.»

"... the "Paraclete" foretold by Jesus is the Prophet Muhammad. Nevertheless, according to Shiite exegesis, the foretelling of the "Paraclete" refers to the Imam of Resurrection, the hidden Imam, who is likewise called Muhammad, who proceeds from the Prophet's progeny, who, moreover, speaks of him as of another himself."

در تلمود بابلیان، پاراکلیت Paraclete (تسلی بخش The Comforter یا «مناهم» Menahem) با شیلو Shiloh شناخته شده است:

«نام [مسیح] چیست؟... نامش شیلو Shiloh است، نامش نوشته شده تا او بیاید. (پیدایش ۱۰: ۴۹ Genesis) ... دیگران میگویند: نامش مناهم Menahem است... زیرا که نامش نوشته شده است، مناهم Menahem [تسلی بخش، روح القدس] که روح را تسکین میدهد دور است (افسوس ها ۱: ۱۶).» («تلمود بابلیان» "Tractate Sanhedrin 98b", "Babylonian Talmud")

In The Babylonian Talmud, The Paraclete (The Comforter, or "Menahem") is identified with SHILOH:

"What is his [the Messiah's] name?... His name is Shiloh, for it is written, until Shiloh come (Genesis, 49:10)... Others say: His name is Menahem... for it is written, Because Menahem ['the Comforter', 'the Holy Spirit'], that would relieve my soul, is far (Lamentations 1:16)." ("Babylonian Talmud", "Tractate Sanhedrin 98b").

در کتاب زوهر روشنفکر بزرگ، ربی شمعون بن یوحای، شیلو (Shiloh) را حضرت موسی معرفی می کند:

In The Zohar, the Great Enlightened Rabbi Shimon Ben Yochai identifies Shiloh with the Prophet Moses:

«...» «عصای سلطنتی از یهودا دور نخواهد شد و نه چوب فرمانروایی از میان پاهای وی» [نسل او همیشه فرمانروایی خواهد کرد] عصای سلطنتی به مسیح از خاندان یهودا اشاره می کند و چوب فرمانروایی به مسیح از خاندان یوسف اشاره می کند. «تا شیلو بیاید». (پیدایش ۱۰: ۴۹): شیلوه، موسی است، ارزش عددی نام شیلوه و موسی یکی است. «(تعالیم روشنفکر بزرگ، ربی شمعون بن یوحای در کتاب زوهر "Beresheet")

"... "The sceptre shall not depart from Judah nor the ruler's staff from between his feet" (Genesis 49:10); 'the sceptre' referring to the Messiah of the house of Judah, and 'the staff' to the Messiah of the house of Joseph. "Until Shiloh cometh" (Genesis 49:10): this is Moses, the numerical value of the two names Shiloh [Schyloh] and Moses [MoSheH] being the same." (The Great 9 Enlightened Rabbi Simeon ben Yochai's Teachings in the Zohar I, "Beresheet").

«پاراکلیت» "Paraclete" پیشگویی شده بوسیله عیسی مسیح، حضرت محمد است.

The "Paraclete" foretold by Jesus is the Prophet Muhammad

«پاراکلیت» "Paraclete" که در تلمود بابلیان به آن اشاره شده شیلو است.

The "Paraclete" foretold in The Babylonian Talmud is Shiloh.

در زوهر شیلو، حضرت موسی معرفی شده است...
در صحیح البخاری توسط امام محمد ابن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره البخاری در نسخه خلاصه شده بوسیله امام زین الدین احمد بن عبد اللطیف از زوبیدی، پیامبر اکرم آل خدا با پیامبر مقدس آل خدا موسی، یکی شناخته شده است:

In The Zohar Shiloh is identified in Moses... In the Sahih Al-Bukhari by Imam Muḥammad ibn Ismā'īl al-Mughīrah Al-Bukhārī summarized Version by Imam Zain-ud-Din Ahmad bin Abdul-Lateef AzZubaidi, the Holy Prophet of ALLAH-GOD MUHAMMAD is identified with the Holy Prophet of GOD-ALLAH MUSA (MOSES):

«خدیجه حضرت محمد (علیه اسلام) را برای ملاقات ورقه بن نوفل بن اسد بن عبد العزی همراهی کرد، ورقه در دوران جاهلیت به مسیحیت ایمان آورده بود [۱]، انجیل را به زبان عبری مینوشت. او پیرمردی بود که بینایی اش را از دست داده بود. خدیجه به او گفت، پسر عموی من، به برادر زاده ات گوش کن. ورقه به او گفت، چه چیزی دیده ای؟ رسول خدا آنچه را که دیده بود برای او بازگو کرد. ورقه گفت: این همان ناموس [۲] است که خداوند به موسی [۳] هم فرستاده بود. ای کاش! روزی که قومت تو را از شهر بیرون می کنند، من زنده و جوان می بودم. رسول خدا (علیه اسلام) فرمود: «مگر آنها مرا از شهر بیرون می کنند؟» [*] ورقه گفت: آری. پیامی را که تو آورده ای، هیچ پیامبری نیاورده است مگر اینکه با او دشمنی کرده و او را از شهر اخراج کرده اند. اگر من تا آن زمان، زنده بمانم، با تمام وجود، تو را کمک خواهم کرد. متأسفانه پس از مدت کوتاهی، ورقه در گذشت و سلسله جریان وحی نیز برای مدت معینی متوقف شد.»

"Khadijah then accompanied him [Muhammad (pbuh)] to Waraqah bin Nawfal bin Asad ibn 'Abd Al-'Uzza, who had embraced Christianity during the time of Jahiliyyah [1], and used to write in Hebrew and write from the Gospel in Hebrew as much as Allah (pbuh) willed for him to write. He was an old man who had lost his eyesight. Khadijah said, 'O my cousin, listen to your nephew.' Waraqah said to him, 'O my nephew, what have you seen?'. The Messenger of Allah (pbuh) recounted to him what he had seen. Waraqah said to him, 'This is the same Namus [2] whom Allah (pbuh) had sent to Musa [3]. Would that I were young and could live until the time when your people will turn you out.' The Messenger of Allah (pbuh) asked, 'Will they turn me out?' [*] Waraqah replied in the affirmative and said: 'Never did a man come with the like of what you have come with but was treated with hostility. If I should live to see that day, I would support you strongly.' Waraqah died a short while later and Divine Revelation ceased for a while."

«(۱) «دوران جاهلیت» قبل از اسلام.»
«(۲) ناموس نامی برای فرشته جبرئیل است.»
«(۳) موسی (علیه اسلام)»

"(1) Jahiliyyah. Arch. «Age of Ignorance». Pre-Islamic Arabs' condition."

"(2) Namus, a designation for the Angel Gabriel."

"(3) Moses (pbuh)."

«صحیح البخاری توسط ابو عبدالله محمد ابن اسماعیل البخاری نوشته شده، (اودرسال ۱۹۴ هجری یا ۸۱۰ میلادی متولد شده بود و در سال ۲۵۶ هجری یا ۸۷۰ میلادی از دنیا رفته

است) صحیح البخاری مهمترین مجموعه شناخته شده از حدیث است. از او به عنوان امام المحدثه یاد میشود. (راهنمای سنت)»

"Sahih Al-Bukhari by Abu Abdillah Muhammad ibn Ismail Al-Bukhari (who was born in 194 H/810 AD, and died in 256 H/870 AD) is the most famous and trusted collection of hadith, and its author is often referred to as Imam al-Muhadditheen (the leader of traditionists)."

[*] در نسخه دیگری آمده است: «تو را انکار خواهند کرد و به تو، توهین خواهد شد، طرد میشود و به تو حمله خواهد شد.»

[*] Another version reads: "You will be disavowed it and you will be insulted it and you will be expelled it and will be attacked it."

سخنان گفته شده بوسیله پیامبر اکرم، «مگر آنها مرا از شهر بیرون می کنند؟» اشاره شده در «صحیح البخاری» به پیشگویی و یادآوری حضرت موسی در مصر باستان، اشاره دارد، وقتی که توسط فرعون به بیابان «اخراج شد» و بوسیله «مردم» مورد تحقیر قرار گرفت...

The words spoken by the Holy Prophet of ALLAH Muhammad, "Will they turn me out?" contained in the "Sahih Al-Bukhari" are the foretelling of the recurrence and the memory of the Prophet Moses in ancient Egypt, when he was "expelled" into the wilderness by the Pharaoh and despised by the "People"...

تعبری که پیامبر اکرم، رینکارنیشن Reincarnation حضرت موسی است در بین مردم مسلمان پذیرفته شده.

The interpretation that the Holy Prophet of ALLAH Muhammad was the Reincarnation of the Holy Prophet of GOD Moses is widely accepted among Muslim People.

«زیرا در آینده حضرت موسی در آخرین نسل رینکارنیشن خواهد شد و بر خواهد گشت. همه نسل های مردمانی که مصر را ترک کردند (در اخراج از مصر) برای ۴۰ سال در بیابان زندگی کردند، در نسل آخر رینکارنیشن خواهند شد... در نسل پایانی موسی بر خواهد خواست، و نسل مردمانی که در بیابان با او بودند با او دوباره خواهند بود. نسل بیابان رینکارنیشن نسل Arizal (اسحاق لوریا) بود. همانطور که مقرر شده که در دوره موسی نیز باشد. (آموزه های اسحاق لوریا Isac Luria "The Ari", "Arizal", Isac Luria (خواهش میکنم مطالعات ما را ببینید:

["Isaac Luria y Hayyim Vital \[Isaac Luria and Hayyim Vital\]"](#)

"For, in the future Moshe himself will Reincarnate and return in the last generation. All the generations of people who left Egypt (in the Exodus) and lived for forty years in the wilderness will reincarnate in the final generation... In the final generation Moshe will arise, and the generation of the desert will also be with him. The generation of the desert was Reincarnated in the Arizal's (Isaac Luria's) generation as it is also destined to be at the time of the Moshiach's arrival." (Teachings by "The Ari", "Arizal", or Isaac Luria).

(Please see our study "Isaac Luria y Hayyim Vital [Isaac Luria and Hayyim Vital]"

در «سفر تثنیه» "Deuteronomy Rabbah" آمده است که در آینده (در آن زمان) الیاس و

موسی به صورت یکی و واحد می آیند:
«YHVH (تتراگرامتون مقدس) به موسی گفت:
موسی، همانجور که زندگی و روح را برای اسرائیل در این دنیا، داده ای، در آینده ای که
خواهد آمد، وقتی که من برای آنها پیامبر الیاس را خواهم آورد، دو نفر شما بصورت یک نفر
خواهد آمد.» (Deut. Rabbah 3.17).

In the Rabbinic Work "Deuteronomy Rabbah", it is announced that in the "future" (in these times) Elijah and Moses come "as one":
"YHVH (the Holy Tetragrammatón) said to Moses: Moses, by your life, just as you have given your soul for Israel in this world, so in the future to come, when I bring them the prophet Elijah, the two of you will come as one." (Deut. Rabbah 3:17).

«... وقتی روح موسی Moshe Rabbeinu در هر نسل برمیگردد... او به یک معلم برای آموزش نیاز دارد... سپس الیاس خواهد آمد و به او آموزش خواهد داد، و این نسل در درون او شروع به درخشیدن میکند.» (اسحاق لوریا).

"... when Moshe Rabbeinu's soul comes back in every generation... he needs a teacher to teach him. Then Eliyah will come and will teach him, and the generation will begin to shine within him." (Isaac Luria).

«در یک حدیث، پیامبر از اولین امام صحبت می کند که مانند برادر وی است و دوازدهمین امام که مانند پسر او می باشد. شخصی از پیامبر پرسید: «ای پیامبر خدا. چه کسی پسر شماست؟»
«او مهدی است» [هدایت شده] که توسط خدا هدایت میشود، یکی از نام های امام غایب] که به عنوان اعلام کننده فرستاده شده است». (۱۳) در حدیث دیگری همچنین پیامبر اشاره میکند:
«اگر فقط یک روز به پایان دنیا مانده باشد، خدا آنروز را انقدر طولانی میکند که یک مردی از دودمان من که نامش هم نام من است که میراث من خواهد بود، ظهور خواهد کرد [...] او برای بازگرداندن معنویت جنگ خواهد کرد [غیبی، دانش باطنی، عرفانی] دقیقاً مانند خودم که برای وحی به معنای واقعی جنگیدم.» (۱۴) و هانری کوربن Henry Corbin اضافه میکند:
«پیشگویی پاراکلیت paraclete بیان کننده قانون جدیدی نیست، بلکه او کسی است که معنای باطنی را از همه یه قوانین باستانی آشکار میکند. اکنون، پیامبر اکرم یک قانون جدیدی آورده است، درحالیکه ماموریت به دوازدهمین امام واگذار شده است که آشکارسازی معنی پنهان است.» (۱۵)

"In a hadith, the Prophet speaks of the first Imam referring to him as his brother, and speaks of the twelfth one as if he is his son. The interlocutor asks him: 'O Messenger of God! Who is your son?' 'He is the Mahdi ['the guided one' who guides to God, one of the hidden Imam's names], concerning whom I have been sent as proclaimer'. (13) In other ahadith the Prophet also declares: 'If there remains no more than a day for the world, God will prolong it until a man from my progeny, whose name will be my name and whose patronymic will be my patronymic, will emerge [...] He will fight to restore the spiritual [Occult, Esoteric, Gnostic] meaning, just as I myself have fought for the revelation of the literal meaning'. (14) And Henry Corbin adds: 'The foretold Paraclete will not be the enunciator of a new law, but he who will reveal the inner, esoteric meaning of all ancient laws. Now, Prophet Muhammad brought a new Law, while the mission entrusted to the twelfth Imam is the revelation of the hidden meaning'. (15)"

«حیدر آملی، یکی از اساتید بزرگ شیعه در قرن چهاردهم و از شاگردان ابن عربی به این

حدیث مذکور اشاره می کند: «عیسی به این نکته اشاره کرد و گفت: ما برای شما وحی آوردیم. برای تفسیر معنوی آن برای شما یک پاراکلیت Paraclete خواهد آمد که در پایان زمان برای شما آشکار خواهد شد». اکنون، مطابق واژگان مسیحی، پاراکلیت، یا روح القدس، امام منتظر (مهدی) مسلمانان شیعه است. هسته باطنی اندیشه پیامبر این است: «... که پیش بینی توسط عیسی، درباره پاراکلیت، کسی نیست به غیر از امام دوازدهم، که در زمان حال نادیدنی است که توسط حضرت محمد نیز نقل شده است؛ هم عیسی [*] و هم محمد هر دو گفته اند تا معنی پنهان وحی را آشکار کنند.»

"Haydar Amoli, one of the great Shiite Masters of the fourteenth century and Ibn Arabi's disciple, comments on the aforementioned hadith of the Prophet where the Imam of the resurrection is foretold: 'Jesus hinted at this when He said: We bring you the literal revelation. As for its spiritual interpretation, it will be unveiled to you by 11 the Paraclete at the end of this time'. Now, the Paraclete, according to Christian terminology, is the awaited Imam (the Mahdi) of Shiite Muslims. The inmost core of the Prophet's thought is: '... that the Paraclete foretold by Jesus is none other than the twelfth Imam, invisible in the present, heralded by the prophet Muhammad; it is up to the Imam-Paraclete, as both Jesus [*] and Muhammad have said, to reveal the hidden meaning of the revelation'."

* « ۱۶ و من به پدر دعا خواهم کرد و او به شما یک روح القدس دیگری می فرستد که برای همیشه با تو خواهد ماند؛ ۱۷ همینطور روح حقیقت؛ که جهان نمی تواند دریافت کند بدلیل آنکه آنرا نمی بیند و نمی شناسد: اما آنرا خواهی شناخت؛ زیرا او با شماست و با شما خواهد بود. ۲۵ این چیزهایی که گفتیم همین الان با توست. ۲۶ اما روح القدس کسی است که پدر به نام من خواهد فرستاد، او به تو همه چیز را آموزش خواهد داد و همه چیز را به یادت خواهد آورد، هر چیزی رو که به تو گفتیم.

(Holy Gospel According to St. John 14: 16-26)

* "16 And I will pray the Father, and he shall give you another Comforter, that he may abide with you for ever; 17 Even the Spirit of truth; whom the world cannot receive, because it seeth him not, neither knoweth him: but ye know him; for he dwelleth with you, and shall be in you. 25 These things have I spoken unto you, being yet present with you. 26 But the Comforter, which is the Holy Ghost, whom the Father will send in My Name, He shall teach you all things, and bring all things to your remembrance, whatsoever I have said unto you." (The Holy Gospel According to St. John 14: 16-26).

۱۳ مارچ

فرد انسانی و بودیساتوای استاد بزرگ، تات موسی V.M Thoth-Moisés در شهر مدلین، Antioquia مدلین، کلمبیا، در ساعت ۲ بعد ظهر، جمعه ۲۶ اکتبر، ۱۹۵۱ بدنیا آمد. در سن ۴۰ سالگی، در سال ۱۹۹۱، مستر معنوی درونی و نام مقدس موسی Moisés بر او نازل شد... حضرت موسی قوم بنی اسرائیل را در خروج از مصر به سینای Sinai در میدیان Midian، به سرزمین موعود راهنمایی کرد.

MARCH 13

The Human person of V.M. THOTH-MOISÉS' Bodhisattva was born in the City of Medellín, Antioquia, Colombia, on Shabbat Eve at 2 o'clock in the afternoon, on Friday, October 26, 1951. At the age of 40, in the year 1991, he was revealed that His Inner Master's Spiritual,

Esoteric, Holy Name is MOISÉS... the Prophet MOSES who Guided the People of Israel in the Ancient Exodus from Egypt to Sinai in Midian and to the Promised Land.

پیامبر مقدس خدا نیز، حضرت محمد، «وقتی ۴۰ سال داشت در غاری در خارج از مکه، وقتی در حال عبادت بود وحی الهی بر او نازل شد، و ابتدا در اعضا خانواده و به صورت خصوصی و سپس به صورت عمومی، شروع به موعظه کردند. طرفداران و ناراضیان هر دو به موعظه هایش واکنش نشان دادند.»

The Holy Prophet of ALLAH-GOD MUHAMMAD, "Around the time he was 40 years old, told to have experienced a divine revelation while meditating in a cave outside Mecca, and began preaching first to his family members in private, and then publicly. Both interested and disgruntled followers responded to his preaching."





On March 13, 1993, the Bodhisattva of V.M. THOTH-MOISÉS Chose THE DIRECT PATH. Riding on His Sacred Elephant GANESHA, He fought intense and continuous battles against the dark powers that attacked me from the beginning until the end, but Thank GOD-ALLAH I could win Triumphant every Battle.

«لوئیس پالاسیو
اوروگایانا، برزیل»
Uruguaiana, Brazil "Paz Inverencial!"

«این مسیر مستقیم است که شما با یک فیل طی کردید فیل نشانه فروتنی است که شخص باید داشته باشد؛ کسی که بالاتر است، فروتن تر است.»

"Luis Palacio A.
Uruguaiana, Brazil"
"Paz Inverencial!"

"That is the Direct Path that you journeyed on an elephant since the elephant means the humility that one must have; that the higher one gets, the humbler one has to be."

«و در مورد ببر، این تجربه نشان دهنده یه خیانتی است. شخصی که سعی می کند به شما خیانت کند. اما این خطر برطرف شده برای اینکه شما ببر را شکست داده ای. (نامه A ۸۰۷)»
«نوزدهم اگوست، ۱۹۹۳» که مستر عزیز ربولو Rabolú به من نوشت.

"Now, regarding the tiger, in that case, in that experience, it means betrayal by someone who is trying to betray you. This danger is already over because you defeated the tiger." (Letter "807A" of "August 19, 1993" that our Venerable and Beloved Master Rabolú wrote to us.)

مستر عزیز ما، استاد ربولو Rabolú در نامه یه کوتاهی جواب دادند و انتخاب مسیر مستقیم را در حالیکه «سوار بر فیل» شده بودم را تایید کردند. من در تاریخ ۲ اگوست ۱۹۹۳ به ایشان نامه ای نوشتم در حالیکه در حال انجام ماموریت با همسر عزیزم و پسرم در شهر اروگایانا، ریوگرنده دو سو، در برزیل بودم و با احترام از ایشان در مورد تجربه ای از دنیای درون که در اوایل صبح ۱۳ مارچ ۱۹۹۳ در همین شهر داشتم راهنمایی خواستم...

Our Venerable and Beloved Master Rabolú's previous answer, in whose Little Letter He confirms to me the choice of the Direct Path that I journeyed riding "on an elephant", is the answer to the little letter that I wrote to the Master dated August 2, 1993, while carrying out Mission with my beloved wife and our son in the in the City of Uruguaiana, Rio Grande do Sul, Brazil, in which I respectfully solicited His Guidance in relation to a fact that I lived in the Inner Worlds in the early morning of March 13, 1993, in this same city...

تجربه ای که در روز ۱۳ مارچ، ۱۹۹۳ (در شهر اوروگوایانا، ریوگرنده دو سو، برزیل) در ابعاد بالاتر، داشتم را مختصراً برای مستر نوشتم و ایشان به من جواب داد. که به طور مفصل در زیر آمده:

The Experience that I Lived on "March 13, 1993" (being on Mission in the City of Uruguaiana, Rio Grande do Sul, Brazil) in the Higher Dimensions, and on which the Master answers me, although I wrote it briefly to him, is now related in detail below:

من خودم را در یک کشتی، در حال سفر کردن دیدم. کاپیتان در حال هدایت کشتی بر علیه کشتی دیگری پراز دشمن، بود. آنها کشتی های بادبانی زمان باستان بودند. داخل کشتی ما یک بازوی برنزی با یک مشت بسته، سکان کشتی بود که بر علیه دشمنان هدایت میکرد. کاپیتان دستور داد تا کشتی ما در برابر کشتی دشمنان که شبیه «دزدان دریایی» بود قرار بگیرد و سپس دماغه کشتی به کشتی دشمن برخورد کرد، و آنرا خراب کرد...

I saw myself traveling on a ship. The Captain was heading it against another ship full of enemies. They were ancient time oared sailing ships. Inside our ship was a bronze arm with a clenched fist, which was the ship's helm, heading against the enemies. Our Captain ordered to head our Ship against the enemies' ship, who looked like "pirates", and its prow smashed into the enemy ship, wrecking it...

سپس من خودم را در یک سرزمین خشک دیدم. در حالیکه سوار بر یک فیل بودم. در مقابل من ۳ راه وجود داشت.

راه سمت چپ آسفالت بود، راه سمت راست آسفالت نبود اما جاده ای پهن بود.
راه میانی یک راه کوهستانی و بسیار باریک، دشوار و خطرناک بود. من قاطعانه و بدون
ترس، وارد مسیر میانه شدم در حالیکه بر روی فیل سوار بودم.

Then I saw myself on dry land before three paths and riding on an Elephant.

The left path was asphalted, the right one without asphalt, but broad.

The Middle Path was climbing through a Mountain, and was very narrow, difficult, and fraught with dangers. I entered the Middle Path resolutely and fearlessly, riding on the Elephant.

از هر طرف مسیر، هزاران دیو ظاهر شد. رگباری از هزاران تیر به سمت من پرتاب میشد
اما همه آن تیرها بدون اینکه به من و فیل برخورد کنند گذشتند. ما به راه ادامه دادیم، مسیر
باریک و باریکتر میشد تا زمانیکه سرانجام به قله رسیدیم.
آنجا یک خانه و یک ببر کوچک، وجود داشت. من با او شروع به بازی کردم، اما ببر به من
حمله کرد و من را مجروح کرد، از خونم نوشید و خواست بدنم را طعمه خود کند. من مجبور
شدم با او بجنگم و او را شکست دادم. بعد از آن، من رفتم تا زخم هایم را با آب التیام دهم.
پاسخ این تجربه استرال و ابعاد بالا را مستر عزیزمان در جواب نامه ای «A ۸۰۷» در ۱۹
اگوست همانطور که در سطرهای قبلی ذکر شد، دادند.

On either side of the Path thousands of demons appeared, shooting hails of thousands of arrows at me, but those arrows flew past without ever touching us, either me or the Elephant. We continued like this on the Path, which kept getting narrower and narrower, until we finally reached the top.

There were a house and a little tiger there, I started playing with it, the tiger wounded me in one hand, drinking my blood and wanting to eat my flesh too. I had to fight against the tiger until I defeated it. Afterward I went to heal the wounds with water.

«جنگ بدر... در ۱۳ مارس ۶۲۴ میلادی (۱۷ رمضان، سال ۲ هجری، در تقویم اسلامی) در
حجاز، (امروزه عربستان سعودی است) در اوایل اسلام، یک نبرد اساسی بود. یک نقطه عطف
در مبارزات محمد علیه مخالفانش در بین قریش در مکه [۱] بود. پیروزی در این نبرد در
تاریخ اسلام منسوب به مداخله الهی همراه با نبوغ استراتژیک محمد است.»

The answer to this astral lived experience in which I chose and journeyed the Direct Path riding on my Sacred Elephant is in the Letter "807A" of "August 19, 1993 that the Master wrote to us, cited and transcribed in preceding paragraphs.

"The Battle of Badr ... fought on 13 March 624 CE (17 Ramadan, 2 AH in the Islamic calendar) in the Hejaz region of western Arabia (present-day Saudi Arabia), was a key battle in the early days of Islam and a turning point in Muhammad's struggle with his opponents among the Quraish in Mecca [1]. The battle has been passed down in Islamic history as a decisive victory attributable to divine intervention, or by secular sources to the strategic genius of Muhammad."

فصل (۱۱). شرکت فرشتگان در جنگ (بدر). صحیح البخاری، ۳۹۹۲. Rifa، یکی از
رزمندگان نبرد بدر روایت می کند: جبرئیل بر محمد نازل شد و گفت: چگونه جنگجویان نبرد
را در بین جنگجویان خود می بینی؟ پیامبر گفت: «مانند بهترین مسلمانان» و جبرئیل گفت:
«آنها فرشتگانی هستند که در این نبرد شرکت کردند.» ۳۹۹۵. روایت ابن عباس... پیامبر در
آن روز گفت (جنگ بدر)، «این جبرئیل است، در حالیکه سر اسب خود را همراه با تجهیزات
جنگش در دست دارد و آماده جنگ است.»

(11) CHAPTER. The participation of angels in (the battle of) Badr. 3992. Narrated Rifa'a who was one of the warriors of the battle of Badr: Jibril (Gabriel) came to the Prophet and said, "How do you look upon the warriors of (the battle of) Badr among yourselves?" The Prophet said, "As the best of the Muslims," or said a similar statement. On that Jibril said, "And so are the angels who participated in (the battle of) Badr." 3995. Narrated Ibn 'Abbas... The Prophet W, said on the day (of the battle) of Badr, "This is Jibril (Gabriel) holding the head of his horse and equipped with arms for the battle."

اعلام نبوت و نشانه های تحقق آن

امروز، چهارشنبه، ۷ اگوست ۲۰۱۹ (در روز جشن «نبرد Boyacá» در کلمبیا) تقریباً در ساعت ۱۰ صبح در حالیکه در حال نوشتن این مطلب درباره جنگ بدر پیامبر مقدس خدا، حضرت محمد (مربوط به سوره ۸ قرآن مقدس)، نبرد پیروز مندانه که در ۱۳ مارس رخ داده همان تاریخی است که من مسیر مستقیم و میانی را در حالیکه سوار بر فیل مقدس گانشا بودم برای رهایی کامل انتخاب کردم... دو سال بعد در ۱۹ می، ۱۹۹۱ دقیقاً در سن ۴۰ سالگی، نام باطنی و درونی مستر موسی Moisés بر من آشکار شد. و بعد از «مهاجرت» از پاراگوئه به برزیل، ما صدای یک جفت عقاب دوست داشتنی را شنیدیم که با صداها و آواهای سلطنتی شان پرواز می کردند و آواز می خواندند... وقتی که ما به نقطه عزالت و مقدس مان در ایوان رفتیم، در حالیکه در حال دعا به خورشید معنوی، مسیح- خورشید معنوی (منظور خورشید فیزیکی نیست) بودیم یک زنبور عسل آمد تا از شهد از درخت زیبا و مقدس مورینگا و گل های جذاب تغذیه کند... بعد از آن، یک پروانه رنگی زیبا روی همان گل نشست و بعد از آن یک مرغ زرین پر hummingbird... سپس یک زنبور عسل دیگر آمد و این زنبور برای مدتی، چند دقیقه روی گل های درخت مقدس مورینگای ما پرواز کرد... که در حال گل دادن است و بسیار زیبا است... چند دقیقه بعد یکی از برادران عقاب های کوچک در حال آواز خواندن بر روی یکی از شاخه های درخت نشست، جائیکه کندوی زیبای فرشتگان کوچک زنبورها است. همه این علائم شگفت انگیز امروز بین ساعت ۱۰ تا ۱۰:۳۰ دقیقه صبح اتفاق افتاد...

ANNOUNCEMENTS PROPHECIES AND SIGNS OF THEIR FULFILLMENT

Today, Wednesday, August 7, 2019 (in our Celebration of "THE BATTLE OF BOYACÁ" in Colombia) at approximately 10 o'clock in the morning, while I was writing these expansions on the Holy Prophet of ALLAH-GOD MUHAMMAD's Great Battle of BADR (related to SURAH 8 OF THE HOLY QUR'AN, Victorious Great Battle that took place on a March 13, the same Date on which I chose the Direct Path to CHRISTIFICATION AND TOTAL LIBERATION, THE MIDDLE PATH OF THE BODHISATTVAS OF COMPASSIONATE HEART, Riding on my SACRED ELEPHANT GANESHA... two years after I was revealed on May 19, 1991 (exactly at the age of 40) the Inmost Name of my Inner Master MOISÉS, and after our "Migration" from Paraguay to Brazil, we heard a Lovely Pair of LITTLE BROTHER HAWKS who flew by, Singing with Their Royal Screams... When we went out to the patio-terrace of our Sacred HERMITAGE, and as we were Raising our Prayer to the SPIRITUAL SUN, THE SOLAR LOGOS, THE SPIRITUAL CHRIST-SUN (not to the physical Sun), A BUMBLEBEE came to feed on the Nectar of Our Dear and Sacred MORINGA TREE's most beautiful, lovely and charming FLOWERS... Immediately afterwards a very Beautiful, Nicely Colored BUTTERFLY came, landing on the same Flowers, and soon after, A H U M M I N G B I R D. . . Then came another BUMBLEBEE. The BUMBLEBEES remained for quite some time, several minutes, flying all over the Flowers of Our SACRED MORINGA TREE... which is Charmingly BLOSSOMED... A few minutes later, one of our LITTLE BROTHER HAWKS came Singing, and landed for several minutes on the Branches of the Tree wherein is Our Beautiful Hive of LITTLE ANGEL TINY BEES... All these Wondrous Signs have been happening today between 10 and 10:30 in the morning...

الله وجهه رسول حضرت نوك او كجغه ايكي علاوه ايكي المنده
طوشدور و خيراينل و ميگانيل و اسرافل و عزراينل بودرت



مقرب فرشتههار رسول حضرت نك دورت يانندن تكبير
كوزوزلر انندن خيراينل امير رسول حضرتنه بوايت

من تعدادی عکس و فیلم از این نشانه های شگفت انگیز گرفتم که پدر خورشید مسیح ، خورشید معنوی با پیغام آوری که بصورت عقاب طلایی HAWK... برای ما در چهارشنبه شگفت انگیز (یکشنبه استرولوژیکال) در حال نوشتن این مطالب بودم، در ۷ اگوست سال ۲۰۱۹ فرستاد.

I include some photographic images and some videos of such Wondrous Signs that Our FATHER THE CHRIST SUN, THE SOLAR LOGOS, THE SPIRITUAL SUN, whose Sacred and Messenger Bird IS THE GOLDEN HAWK... has sent us on this wonderful Wednesday (Astrological Sunday), August 7 of the current year 2019, while I was writing these Studies.

«به نام خداوند بخشنده و مهربان»

«۲۵. و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند مژده که ایشان را باغ هایی خواهد بود که از زیر (درختان) آنها جویها روان است هرگاه میوه ای از آن روزی ایشان شود میگویند این همان است که پیش از این روزی ما بوده و مانند آن (نعمت ها) به ایشان داده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند.

"In the name of God [ALLAH], the Gracious, the Merciful"

"25. And give good news to those who believe and do righteous deeds; that they will have gardens beneath which rivers flow. Whenever they are provided with fruit therefrom as sustenance, they will say, "This is what we were provided with before," and they will be given the like of it. And they will have pure spouses therein, and they will abide therein forever."

«۲۶. خدای را از اینکه به پشه ای یا فروتر از آن مثل زند شرم نیاید پس کسانی که ایمان آوردند می دانند که آن (مثل) از جانب پروردگارشان بجاست ولی کسانی که به کفر گراییده اند می گویند خدا از این مثل چه قصد داشته است (خدا) بسیاری را با آن گمراه و بسیاری را با آن راهنمایی می کند و جز نافرمانان را با آن گمراه نمی کند...» (سوره ۲ بقره «آیات ۲۵ و ۲۶» از قرآن مقدس)

"26. God [ALLAH] does not shy away from making an example of a gnat, or something smaller than it. As for those who believe, they know that it is the Truth from their Lord. But as for those who disbelieve, they say, "What did God intend by this example?" He leads astray many thereby, and He guides many thereby [with this example]; but He misleads thereby only the evildoers..." (The Holy Qur'an, "Chapter 2: 25-26").

لطفا ویدیوی برادرانمان زنبور عسل و ویدیوی برادرانمان پرنده زرین پر را در اینجا، در این لینک ببینید، ۷ اگوست ۲۰۱۹ خانه استاد محترم تات موسی

[Please enter here to watch one of the videos of the visit of Our Brother Bumblebee and Our Brother Hummingbird today August 7, 2019 at V.M. ThothMoisés' Home. - Video 2 -](#)







بساوردن کف و ما اندکی همه از سگه بزان رفتند یک با ما حرب کنند پس سخت ما تان از کشتن عیب و ما ایندیغا میرا با آن
 کردی با محمد کفر من فرست از آنک تا تو انداز فریض غامبر علیه السلام علی را و حزن را بر عیب ما طلب را و عید و بز حارت را
 گفت شام کفر ایچانید و هم سزای ایچانید عید از میان بر ترو بدس عید یا عیب بجار زار یکتا و حزن یا عیب یکجا د
 و علی ایچای طلب ما ولید یکتا که هر دو هر دو هر دو و عیب هر دو بیال ترو بدس علی صاحب ولید از حرمی ز
 زک بر سر و با خود و زره و خوشی بدو نم کرد تا لکراه و حرم و نیز سینه و احرم با ترو بدسینه و از دست بیرون برد و کشت عیب عید
 بهم می کشتند عیب و عید را غمیری رسان زده بدیم کرد و مغزای او بیرون آمد و علی حرمه اندر رفتند عیب را کشتند



و بی عید را بر گرفتند و باز لشکرگاه آوردند عید و از برای مغزینی بیرون آمد بیغا میر علیه السلام ایچا گفت یا عید خوش
 باش که میان تو و عیب حنکانت کی جاننت بر این ره نشت جا و فایاری عید گفت اگر بطلب زنده بودی که بر میان
 شعر که او گفت کی ما اورا ضباریم تا آنکه کی ما را در میدان ما را کرد و زار محمد کشتند و من سزاوارترم کی او بر عیب غامبر علیه السلام
 گفت تو سزاوارتری که او بگفتار گفت و تو بگزار کردی بر غامبر علیه السلام بر از بر حرم هر بیغ کرد و عیب ایچا گفت
 و بیغا میر بیان لشکرگاه از سر و بیغ کشت پس عید بن حارت مرد و بیرون از لشکرگاه مشرکان بیامد و بر مردی انداز
 انصار نامش حارت بن رافعه از بنی بجار و اورا کشت و بیغا میر مردم را بر کارزار بخیر می کرد مردی بود از انصار الشریع و بیغ

نبرد بزرگ و پیروزمندانه بدر در نزدیکی مدینه «نخستین نبرد بین مسلمانان و مشرکان در مکه» بود و در ۱۳ مارس ۶۲۴ میلادی (۱۷ رمضان سال ۲ بعد از هجرت در تقویم اسلامی) در حجاز، عربستان سعودی امروز... «در سال دوم مهاجرت...» «هجرت» پیامبر مقدس خداوند از مکه به مدینه...

The Victorious GREAT BATTLE OF BADR, near MEDINA, was "the first battle between the Muslims and their opponents at Mecca", and "took place on March 13, 624 CE (17 Ramadan of the second year after the Hegira in the Islamic calendar) in the Hijaz [or Hejaz] region of present-day Saudi Arabia..." "in the second year after Migration..." , or "Hegira", of the HOLY PROPHET OF ALLAH-GOD MUHAMMAD from MECCA to MEDINA...

«در ۱۳ مارس ۶۲۴ در منطقه حجاز در غرب عربستان، پیروان محمد مشرکان قبیله قریش مکه را در جنگ بدر شکست دادند.»

"On March 13, 624 in the Hejaz region of western Arabia, Muhammad's new followers defeated the Quraysh tribe of Mecca in the important battle of Badr."

خدایان آناهواک خوب می دانند که پایه و اساس شهر تنوچتیتلان قرن های قبل تری از ۱۳۲۵ گذاشته شده و در طول تاریخ پنهان است، اگر چه این عقیده وجود دارد که شهر تنوچتیتلان-مکزیک در «۱۳ مارس» در مرکز دریاچه آناهواک در آمریکای مرکزی، مکزیک توسط خدای خورشید و جنگ، هویتزیلوپوچتلی Huitzilopochtli تاسیس، و تبدیل به پایتخت امپراتوری شد.

Although actually "The Gods of Anahuac know very well that the foundation of the great Tenochtitlan is hidden within the deep night of the innumerable centuries that preceded us in the course of History", and not in the year 1325 as it is supposed to be, it is a widespread belief that on a "March 13" "in the center of Lake Anahuac in Mesoamerica, the Mexica [LED BY GOD HUITZILOPOCHTLI] founded the town of Mexico-Tenochtitlán, which would become the capital of their empire."

«پس از یک سفر طولانی از شهر آزتلان Aztlán قبیله های مختلفی که با هم همسفر بودند تصمیم گرفتند تا در جزیره ای در دریاچه تکس کوکو مستقر شوند و شهر تنوچتیتلان را تاسیس کردند»

"After a long pilgrimage from Aztlán, various tribes decided to finally settle in Lake Texcoco to found the city of Tenochtitlán."

* ۱۳ مارس از ماه ماک Mac در تقویم مایاها: «ترتیب ماه ها در یک سال - «۱۳ مارس از ماه ماک Mac» که زمان تخم گذاری لاک پشت هاست. (Chilam Balam of Chumayel)»

* March 13th of the Month of Mac of the Maya Calendar: "SEQUENCE OF MONTHS IN A YEAR - 'Mac March 13th' when the turtles lay their eggs. (Chilam Balam of Chumayel)."

* ۱۳ مارس ۱۹۹۳، طوفان بسیار شدیدی اتفاق افتاد که در تاریخ بشر ثبت شده است. «یک طوفانی به میزان کتاب مقدس» موج هایی تا بلندی ۲۰ متر در اقیانوس اطلس Atlantic و وزش بادهایی تا ۱۶۲ کیلومتر در ساعت ایجاد کرده است. طوفان از یک روز قبلتر در ۱۲

مارس شروع شد و با قدرت بیشتری در ۱۳ مارس به ساحل رسید و در ۱۴ مارس به پایان رسید.

* On March 13, 1993, the most powerful Superstorm/ Hurricane of the Century "ever recorded in the History of Mankind", "a storm of biblical proportions" occurred, which generated waves up to 20 meters in the Atlantic Ocean, and with winds up to 162 kilometers per hour. The storm began a day earlier, on March 12, intensified powerfully once it reached the shore on March 13, and ended the following day, on March 14.

این طوفان مصادف بود با نزول خدای گانشا با سری به شکل فیل از قلمرو آسمانی، او با خدای مایاها «ایتزامنا Itzamma- k'awill قلب آسمان» و «طوفان» یکسان است.

This Superstorm/Hurricane coincided with the Elephant-Headed God Ganesha's descent from His High, Heavenly Sphere, who is identical with the Maya God Itzamna-K'awiiil, and with "The Heart of Heaven" and "Huracán [Hurricane]" of the Quiché Mayas.

من تمام چیزهایی را که گفتم را به شخص انسانی گناهکار و ناقص و ناچیز بودیساتوای او به این خدمتکار ساده رجوع نمی‌دهم، اما به او، کسی که هستی است، هستی واقعی. اگر چه که او در بودیساتوای او Bodhisattva رینکارنیشن Reincarnated شده است.

I do not refer or apply all this to the human, imperfect, sinful and insignificant person of His Bodhisattva in this humble servant, but to Him, who is The Being, the Real Being. However, He is reincarnated in His Bodhisattva.

* در سال ۱۹۹۳، بین اورانوس و نپتون در کماندار ۳ پیوند وجود داشت. آخرین چرخه قبلی در سال ۱۸۲۱ شروع شد. ارتباط اورانوس و نپتون هر ۱۷۱ سال رخ می‌دهد. این رابطه «پذیرش دو طرفه» نام دارد که مبادله ی نیروها و کمک دو طرفه است که تأثیرات بین سیارات را در رابطه با زودیاک و بشریت شدت می‌بخشد.

* In the Year 1993 there were also three conjunctions of Uranus and Neptune in Sagittarius. The previous Last cycle began in 1821. The Conjunction of Uranus and Neptune occurs every 171 years. This Conjunction is called "Mutual Reception" that is an exchange of Forces and Mutual Assistance that intensifies the influences between the Planets in Conjunction on the Zodiac and on Humanity.

* در سال ۱۹۹۳ دوره «آهائو کاتون ۴» Ahau Katun 4 در تقویم "loun count" مایاها شروع شد، ۲۰ سال بعد (نیمه «یک نسل») در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۲ به اوج خود رسید. لطفا این لینک را ببینید:

* In the year 1993 the last "4 Ahau Katun" of "the Long Count" began, culminating 20 years later (half "a generation") on December 23, 2012. Please see:

"ACONTECIMIENTOS ESOTÉRICOS del 13 DE MARZO en el Aniversario 26 de la Escogida del Camino Directo [ESOTERIC EVENTS of MARCH 13, on the 26th Anniversary of the Choice of the Direct Path]"

«قوم آزتک که توسط پیشوایی با نیوغ هدایت میشدند از «جزیره Avallonis» به تالاب های مکزیک رسیدند. دقیقاً همانطور که موسای کتاب مقدس مردم اسرائیل را از بیابان به سرزمین موعود هدایت می کند (استاد محترم سامائل اون وئور V.M Samael Aun Weor).»

"The Aztec people, once led by the guardian Geniuses, or Jinas, of the "Insula Avallonis", reached the Mexican lagoons. Exact parallel of the biblical Hebrew Moses leading the People of Israel through the wilderness toward the Promised Land." (V.M. SAMAE AUN WEOR).

«حکیم بزرگی گفته است» که دنیا در ۱۳ مارس خلق شده است. «در حقیقت هر نژاد به ۱۳ عصر، تقسیم شده است. بطور قطع این ۱۳ عصر به ۱۳ قسمت از روز نجومی great sidereal day تقسیم می شوند که از ۲۵۰۹۶۸ سال درست شده است بنابراین ۲۵،۹۶۸ باید به ۱۳ تقسیم شود و ما به نتیجه مربوطه میرسیم. نتیجه: یک sidereal day ، ۲۵،۹۶۸ سال است که از ۱۳ بخش تشکیل شده است.»
(استاد محترم سامائل اون وئور V.M. SAMAE AUN WEOR).

"Great Sages have said that "the world was created on a March 13". Indeed, each race is actually divided 13 TIMES. Obviously, those 13 Times must be mathematically divided into 13 pieces of the GREAT SIDEREAL DAY that is made of 25,968 years. So the 25,968 years must be divided by 13 and we get the corresponding result. Conclusion: 13 parts of a Sidereal Day consisting of 25,968 years." (V.M. SAMAE AUN WEOR).

شمیتاه Shemitah ۱۹۹۳-۱۹۹۴:

- من مستر درونیم را (خورشید خرد the son of Thoth) را در ۲۲ اگوست ۱۹۹۳، دریافت کردم (در ۱۳ مارس ۱۹۹۳ بر اساس انتخاب مسیر مستقیم) وقتی که ایام شمیتاه، در آن سال ها نزدیک شده بود، این ایام در ماه سپتامبر ۱۹۹۳ شروع شده بود و در ماه سپتامبر ۱۹۹۴ به پایان رسید.

Shemitah 1993-1994: .

- I incarnated my Inner Master Moisés (the Son of Thoth) on August 22, 1993 (upon the choice of "The Direct Path" on March 13, 1993) when the beginning of the Shemitah was approaching in those years, starting in the month of September 1993 and ending in the month of September 1994.

سال ۱۹۹۳ Sabbatical، انتخاب مسیر مستقیم (۱۳ مارس ۱۹۹۳) و اینکارنیشن مستر بزرگ تات موسی V.M Thoth Moisés (۲۲ اگوست ۱۹۹۳).

Sabbatical Year of 1993, choice of the Direct Path (March 13, 1993) and Incarnation of V.M. ThothMoisés (August 22, 1993).

در سوره ۸ قرآن مقدس («سوره ۸ انفال غنائم جنگی»)، جنگ بدر به جنگی که توسط رهبر بزرگ مردم بنی اسرائیل هدایت شد مرتبط است. پیامبر خدا مردم را علیه فرعون و سپاهش در مصر قدیم هدایت کرد:
سوره ۸ انفال

In SURAH 8 of the HOLY QUR'AN, ("Surah 8. AlAnfal The Spoils of War"), THE BATTLE OF BADR is related with the Battle that THE GUIDE AND GREAT LEADER of the People of ISRAEL, the PROPHET OF GOD-ALLAH, led against Pharaoh and his armies in Ancient Egypt: Surah 8. Al-Anfal

غنائم جنگی

به نام خداوند بخشنده و مهربان

«۵۲. همان طور که خوی فرعونیان و کافران پیش از زمان آن‌ها بر این بود که به آیات خدا کافر شدند، خدا هم آنان را به کیفر گناهانشان بگرفت، که همانا خدا توانا و سخت‌کیفر است.

THE SPOILS OF WAR

In the name of Allah, Most Gracious, Most Merciful

"52. '(Deeds) after the manner of the People of Pharaoh and of those before them: they rejected the Signs of Allah, and Allah punished them for their crimes: for Allah is Strong, and Strict in punishment:

۵۳. این (عذاب) از آن جهت است که خدا بر آن نیست که نعمتی را که به قومی عطا کرد تغییر دهد تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند، و خدا شنوا و داناست.

53. 'Because Allah will never change the Grace which He hath bestowed on a people until they change what is in their (own) souls: and, verily, Allah is He Who heareth and knoweth (all things).'

۵۴. همان طور که خوی فرعونیان و کافران پیش از آنان بر این بود که آیات خدای خود را تکذیب کردند ما هم آن‌ها را به کیفر گناهانشان هلاک نمودیم و فرعونیان را غرق کردیم و همه آنان که هلاک نمودیم ظالم و ستمکار بودند.

54. 'The People of Pharaoh and those before them' treated as false the Signs of their Lord: so We destroyed them for their crimes, and We drowned the People of Pharaoh: for they were all oppressors and wrongdoers.

۵۵. بدترین جانوران نزد خدا آنان هستند که کافر شدند و ابداً ایمان نخواهند آورد. (قرآن مقدس ترجمه عبدالله یوسف علی)

55. For the worst of beasts in the sight of Allah are those who reject Him: they will not believe." (The Holy Qur'an Translated by Abdullah Yusuf Ali).

«کتزال کواتل Quetzalcoatl، نیز همچنين، میترا، هرمس تریسمجیستوس Hermes Trismegistus، سه بارخدای بزرگ ایبیس تات است؛ او واقعا و حقیقتا خورشید معنوی است».
(از آخرین سخنرانی مستر محترم و محبوبمان سامائل اون وئور Samael Aun Weor در مورد «کتزال کواتل» Quetzalcoatl).

"Quetzalcoatl is also MITHRA, HERMES TRISMEGISTUS, the thrice great God Ibis of Thoth; He is really and truly the SPIRITUAL SUN." (From the last Lecture on "Quetzalcoatl" by our Venerable and Beloved Master Samael Aun Weor).

خیلی از نویسندگان مسلمان اظهار کردند «پاراکلایت» Paraclete دیگری که بوسیله مسیح مقدس در انجیل یوحنا (۱۴:۱۶) پیشگوی شده، پیامبری که توسط خدا به حضرت موسی معرفی میشود حضرت محمد است.
لطفا مطالعات ما را در اینجا ببینید:

"THEY ARE TWO PROPHETS! Deuteronomy 18:15-19").

Many Muslim writers assert that the "Another Comforter" ("Paraclete") foretold by Our Lord JESUS THE CHRIST in John the Apostle's Gospel (14:16) is the Prophet promised by GOD, by AL-LAH, to the Prophet MOSES (Deuteronomy 18:18,19), and they identify him with the Prophet MUHAMMAD:

(Please see our Study:
"THEY ARE TWO PROPHETS! Deuteronomy 18:15-19").

ستاره دنباله دار هالی در حدیث
حضرت محمد
مهدی
امپراطوری عثمان

«در سال ۱۹۸۶ (۱۴۰۶ هجری)، ستاره هالی از روی زمین عبور کرد. آن ستاره ای درخشان است که از شرق به غرب سفر می کند. آن بعد از ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ (۱۴۰۱-۱۴۰۲ هجری) اتفاق افتاد.»

HALLEY'S COMET IN THE HADITH OR HADIS THE PROPHET MUHAMMAD THE MAHDI THE OTTOMAN EMPIRE

"In 1986 (Hijri 1406), Halley's comet passed by Earth. The comet is a bright, shining star that travels from East to West. This happened after the lunar and solar eclipses of 1981 and 1982 (Hijri 1401-1402)."



«همزمانی ظهور این ستاره با نشانه های دیگر ظهور مهدی، حاکی از این است که ستاره هالی، ستاره ای اشاره شده در حدیث است.»

"The concurrence of this star's rise with other signs of the Mahdi's emergence indicates that Halley's comet is the star pointed to in the hadith."

«یک ستاره ای با دنباله ای نورانی از سمت شرق، قبل از ظهور او طلوع خواهد کرد. (محمد ابن عبد الرسول البرزنجی، الاشاعه لا شرط الساعه صفحه ۲۰۰) ...»
«یک ستاره دنباله دار در شرق ظاهر خواهد شد، و قبل از اینکه او بیاید روشنایی خواهد آورد. (ابن حجر الهیتمی، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، صفحه ۵۳) ...»

"A star with a luminous tail will rise from the East before the Mahdi emerges. (Muhammad ibn 'Abd al-Rasul Barzanji, Al- Isha'ah li-ashrat al-sa'ah, p. 200)..."

"A comet will be appearing in the East, giving out illumination before he arrives. (Ibn Hajar al-Haythami, AlQawl al- Mukhtasar fi `Alamat al-Mahdi al-Muntazar, p. 53) ..."

«ظهور این ستاره بعد از ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی خواهد بود. (المختاری الهیندی، البرهان فی علامت المهدی آخر الزمان، صفحه ۳۲) ...»
«همانطور که در احادیث ذکر شده...»
«امپراتوری عثمانی ظهور کرد. قسطنطنیه Constantinople (استانبول) توسط سلطان Mehmed دوم فتح شد...»

"The rise of that star will occur after the eclipse of the Sun and the Moon. (Al-Muttaqi al-Hindi, Al-Burhan fi Alamat al- Mahdi Akhir al-zaman, p. 32)."

"As referred to by the hadiths..." "The Ottoman Empire emerged. Constantinople (Istanbul) was conquered by Sultan Mehmed II..."

«ظاهر شدن ۲۶ بار ستاره هالی در سال ۱۴۵۶ آنچه که در گذشته پیش بینی شده بود را اثبات کرد. ترک های عثمانی در سال ۱۴۵۳ قسطنطنیه را بدست گرفتند...»

"Appearance # 26 came in 1456, when Halley's Comet proved its ability to predict in retrospect. The Ottoman Turks had taken Constantinople in 1453..."

تسخیر استانبول به «معنی پایان امپراتوری روم شرقی یا بیزانس بود. تسخیر شهر بوسیله ترکان عثمانی در سال ۱۴۵۳ میلادی شروع یک عصر جدید و مدرن بود.

THE CONQUEST OF ISTANBUL "meant the end of the last vestige of the Eastern Roman Empire, or also known as the Byzantine Empire. The conquest of the city by the Ottoman Turks in 1453 CE marked the beginning of a new era, the Modern Age."

«سلطان محمد دوم ملقب به فاتح Mehmed II Fatih، هفتمین سلطان از سلسله عثمانیان بود. او در سال ۱۴۵۳ قسطنطنیه را بدست گرفت و بدین ترتیب به امپراتوری بیزانس هزارساله پایان داد...» سه سال قبل از ظاهر شدن ستاره هالی در سال ۱۴۵۶.





The Sultan "Mehmed II Fatih... Was the seventh sultan of the house of Osman (dynasty of the Osmanlis). In 1453 he took Constantinople, and thus brought about the final fall of the millennial Byzantine Empire..." three years before the appearance of Halley's Comet in the year 1456.

«آخرین معجزه بزرگ و نشانه ستاره هالی: ظاهر شدن ستاره هالی در سال ۱۹۸۶ (۱۴۰۶ هجری بر اساس تقویم اسلامی) در نوزدهمین ظهورش از سال ۶۰۷ بعد از میلاد در سالی که حضرت محمد به پیامبری رسید.»

"A last great miraculous and sign of Halley: the appearance of Halley in 1986 (Hijri 1406 according to the Islamic calendar) is its 19th appearance since 607 AC, the year when the Prophet Mohammed (may God bless him and grant him peace) was honored with prophecy."

«... ستاره دنباله دار هالی آخرین بار در سال ۱۹۸۶ (۱۴۰۶ بر اساس تقویم اسلامی) از روی زمین عبور کرده است. این ستاره هر ۷۶ سال از زمین عبور می کند و هر بار باعث وقایع مهمی می شود. در حدیثی از پیامبر (ص) آمده که این ستاره یکی از نشانه های ظهور حضرت مهدی است (ع):»
«قبل از اینکه او ظاهر شود یک ستاره دنباله دار در شرق ظاهر شده و می درخشد.» (القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر ، صفحه ۵۳)»

"... the appearance of Halley's comet, which last passed by the Earth in 1986 (1406 according to the Islamic calendar) needs to be evaluated in this light. This comet, which passes by the Earth only once every 76 years and which always herald important events whenever it does so, is revealed in the hadith of our Prophet (saas) to be one of the portents of the coming of Hazrat Mahdi (as):"

"BEFORE HE ARRIVES, A COMET WILL APPEAR IN THE EAST, GIVING OFF ILLUMINATION."
"(Al-Qawl al-Mukhtasar fi 'Alamat alMahdi al-Muntazar, p. 53)"

«... آخرین بار، ستاره دنباله دار در سال ۱۹۸۶ میلادی و ۱۴۰۰ (بر اساس تقویم اسلامی) از زمین عبور کرد این زمانی است که حضرت مهدی (ع) ظاهر خواهد شد. علاوه بر این، رویداد های مهم جهانی با عبور این ستاره رخ می دهد.»
«رویدادهای مهمی که با عبور این ستاره اتفاق افتاده است:»
«- حضرت عیسی (ع) بدنیا آمد .»
«- پیامبر (ص) به دریافت وحی رسید.»
«- امپراطوری عثمانی ظاهر شد.»
«- ستاره دنباله دار در زمانی دیده شد که قسطنطنیه بوسیله سلطان Mehmet فتح شد.»

"... The comet last passed by the Earth in 1986, and the 1400s (Islamic calendar) are the time when Hazrat Mahdi (as) will appear. In addition, important world events take place every time this comet passes by."

"Significant events that have taken place during the passage of the comet:"

"- The Prophet 'Isa (as) was born."

"- Our Prophet (saas) began receiving the first revelation."

"- The Ottoman Empire made its appearance."

"- This comet was seen when Constantinople was captured by Sultan Mehmet the Conqueror."

« آخرین عبور ستاره هالی در سال ۱۹۸۶ (۱۴۰۰ بر اساس تقویم اسلامی) همچنین از نظر خدا، با همزمانی آن با سال آمدن حضرت مهدی (ع)، تعیین شده است که قسمتی از سرنوشت خلق شده توسط خدا است. آن به این معنا است که چگونه این نشانه، که یکی از نشانه های آمدن حضرت مهدی (ع) است، ۱۴۳۰ سال پیش، توصیف شده است که « یک ستاره دنباله داری از شرق خواهد درخشید» همانطور که اتفاق افتاد و مردم شاهد عبور این ستاره دنباله دار، این پدیده مهم آسمانی بودند.

"The latest passage of the comet in 1986 (in the 1400s according to the Islamic calendar) is also determined in the sight of Allah to coincide with the years of the coming of Hazrat [Great Presence] Mahdi (as) as part of the destiny created by Him. It is significant how this portent, one of the signs of the coming of Hazrat Mahdi (as) described 1430 years ago as "a comet shedding illumination from the east" was fulfilled as people watched the passage of this comet, a major celestial phenomenon."

در آن روزهای ماه فوریه سال ۱۹۸۶، زمانیکه ستاره هالی در حال گذر بود در حال انجام ماموریت عرفانی در شهر بوینوس آیرس، آرژانتین، من اولین Initiation آتش [توضیح مترجم: زمانیکه سالک علوم و اسرار الهی را دریافت میکند] را دریافت کردم.

On those days of the month of February 1986 during the passage of Halley's Comet, while carrying out the Gnostic Mission in the City of Buenos Aires, Argentina, my Inner Master received The First Initiation of Fire.

«... من آگاهانه بدنم را ترک کردم و به جستجوی استاد بزرگ ربولو Rabolú رفتم در حالیکه نام او را در خیابان ها فریاد میزد. من به یک خانه سفید رسیدم، و شما را پیدا کردم، استاد، در یک اتاق کار بودید، در آنجا مردان و زنان ساده ای تحت هدایت شما کار میکردند. من از استاد Rabolú سوال کردم و خودتان به من گفتید: «بله، من هستم، داخل شو!» من یک مانترای محافظت کننده خوندم [توضیح مترجم: کلمه های مخصوصی که برای از بین بردن نیروهای شیطانی در استرال بکار برده میشود] و شما حرکتی نکردید و همانجا ماندید. [توضیح مترجم: از آنجایی که مستر همچنان همانجا بود این نشان میداد که او یک مستر واقعی است]»

"... I consciously left my body and went in search of Venerable Master Rabolú, shouting his name in all the streets. I arrived at a whitened house, and I found You, Master, in a workroom where some simple men and women were working under your guidance. I asked for Master Rabolú, and You yourself said to me: "Yes, here I am, come in!". I conjured You and You remained the same."

«بلافاصله، در آن اتاق کار، خودم را بصورت تمام قد در جلوی یک آینه بسیار بزرگ دیدم. من خودم را مانند مرده ای دیدم که با چشمانی نیمه باز بتازگی از قبر بیرون آمده است. فوراً به شما گفتم:»

«مستر ربولو Rabolú شما از ما خواستید که تلاش کنیم که آگاهانه از بدن خارج شده و به استرال برید و به تالار دوم حضور پیدا کنید، و اکنون من آگاهانه در مقابل شما ایستاده ام.»

"Immediately, in that workroom, I saw myself fulllength, standing before a giant mirror, I saw myself cadaverous, as if I had recently come out of a grave, and with eyes half open. Right away

I said to You: "Master Rabolú, You have asked us to struggle to consciously go out in astral body to attend the Second Chamber, and here I am before You in Astral Consciously".

(از آن سال ها- سال ۱۹۸۶ من در حال انجام دادن این «وظیفه» بودم که استاد بزرگ ربولو Rabolú خواسته بودند، چیزی که مستر محترم و محبوبمان ربولو درخواست کرده بودند بعد از گذشت مدت کوتاهی از ترک جسم استاد محترم سامائل اون وئور V.M. Samael Aun Weor تا کمی قبل تر از اینکه (استاد محبوبمان ربولو) Rabolú «توانست توانایی ناپدید شدن را داشته باشد»، که آن در نامه ای که به مسترنوشتم بیان شده و ایشان در جواب من با نامه ای تایید کردند...)

(Already since those times -year 1986- I was delivering the "Task" to Venerable Master Rabolú, as it appears and can be verified in the Letter that I wrote to the Master and in His answer, also by Letter, just as our Venerable and Beloved Master Rabolú began to request it shortly after our Venerable and Beloved Master Samael Aun Weor's Disincarnation, and until shortly before the Master (our Venerable and Beloved Master Rabolú) could "afford to disappear"...))

«سپس، استاد، من مقابل شما زانو زدم و من به حالت مصری ها تعظیم کردم و به شما گفتم: «من اینجا هستم استاد، به من بگوئید چه کاری باید انجام بدهم. من سرباز و خدمتکار شما هستم». و شما، استاد، در حالیکه کودکی در کنار من ایستاده بود، به من گفتید: «با این نشانی که من روی پیشانی تو میکشم (نشان بی نهایت یا 8 مقدس و در بالای آن 8 مقدس - صلیب) ذهن تو بیدار خواهد شد». و شما، استاد ادامه دادید: «اکنون با احترام زیاد، ما بدون لمس کردن بدن، صلیبی می کشیم (از پیشانی) تا اینجا (اندام جنسی) و از اینجا (از شانه چپ) به اینجا (شانه راست)». و سپس با گریه ای از شادی، من این آواز را خواندم:
Hallelujah!, Hallelujah!, Hallelujah!
و مستر ربولو Rabolú در حالیکه در کنار من زانو زده بود به من گفت: «بلندتر»

"Then I knelt before You, Master, and I prostrated myself in Egyptian posture, and I said to you: "Here I am Master, tell me what I have to do, I am your soldier, your servant". And You, Master, said to me with a child by my side: "By this sign that I will draw on your forehead (the Infinity Sign, or Holy Eight, and above - that is to say, on top of the Holy Eight- The Cross), your Mind will awaken." And You, Master, continued saying right away: "Now, with much respect, without touching the body, we will make The Cross from here (from the forehead) to here (to the sex), and from here (from the left shoulder) to here (to the right shoulder)". And then, crying with joy, I sang:
Hallelujah! Hallelujah! Hallelujah!, and Master Rabolú, kneeling beside me, was telling me:
"Louder!"

«سپس ما بلند شدیم و استاد ربولو Rabolú، در حالیکه لبخند میزدند و بسیار خوشحال بودند، از کودک خواستند تا یک شمع برای ایشان بیاورند تا روشن کنند و آن شمع را چندین بار جلوی پیشانی من گرفتند... سپس من، به بدن فیزیکی ام برگشتم...»

"Then we stood up, and Master Rabolú, smiling, very happy, asked the child to bring a candle that the Master lit and passed several times before my forehead... Then I returned to my physical body..."

من این سوال را به استاد بزرگ ربولو Rabolú فرستادم، در نامه ای که در بوینس آیرس،

آرژانتین در ۱۹ فوریه سال ۱۹۸۶ نوشتم. تقریباً یک سال بعد از بیداری آتش مقدس کندالینی و رفتن به داخل پرتگاه [توضیح مترجم: ابعاد پایین یا جهنم] با همراهی گرو و استاد موری یا خضر یا الخدیر Guru V.M Morya, Hhidr, or Al khadir

I submitted this question to our Venerable and Beloved Master Rabolú in a letter written in Buenos Aires, Argentina, on February 19, 1986. Almost a year after having awakened the Sacred Fire of Kundalini and having descended into the Abyss accompanied by my Guru V.M. MORYA, KHIDR, HIZIR, OR ALKHADIR.

یعنی یک سال بعد از شروع و رفتن به تاریکی با همراهی گرو و استاد بزرگ موری یا خضر، که کودک مقدس درونی من، (مطمئناً، هنوز اینکار نیشن نشده بود، ...) من اولین Initiation [توضیح مترجم: دریافت علوم و اسرار الهی] رازهای بزرگ را دریافت کردم ... جوابی که توسط مستر محبوبمان ربولو Rabolú در ۲۹ مارس ۱۹۸۶ در نامه شماره «۴۱۹» نوشته شده است:

That is to say, it was a year after I had begun descending into the Abyss accompanied by my Guru Venerable Master MORIA, or KHIDR, that my Inner Child (not Incarnated yet, obviously...) received the First Initiation of Major Mysteries...

The answer was written by our Venerable and Beloved Master Rabolú on "March 29, 1986", in the Letter # "419", textually saying:

«لونیز پالاسیو آکوستا

Mailbox 309

(1403)B ranches 3 (B)

فدرال پایتخت- آرژانتین

"Paz Invetencial"

«این تجربه، بسیار واقعی است، ۱۰۰ درصد درست است، درست همانطور که شما دیدید. منطقی است که اتاق کار جایی که من در حال کار بودم بصورت سمبلیک اتاق کاری است که هر کس در درون خویش دارد، که بصورت خستگی ناپذیری در حال کار کردن است.»

"Luis Palacio Acosta

Mailbox 309

(1403) Branch 3 (B)

Federal Capital-Argentina"

"Paz Inverencial!"

"That experience is very real, one hundred percent true, just as you saw it. It is logical that the workroom where I was working is symbolically the same workroom that each one has within himself, which is working tirelessly."

«تو مانند یک مرده ای بودی، این منطقی است وقتی که ما در حال کار کردن روی مرگ [ایگوها] هستیم، شخص بصورت مرده ظاهر میشود. مرگ به این معنی است، یعنی اینکه تو برای بیداری تمام قوه های ذهنی که از طریق هشت [8] مقدس حاصل میشود، باید بسیار سخت روی مرگ [ایگوها] کار کنی.»

«کودک به معنای عمیق ترین بخش درون است»

بنابراین همه این آموزش ها بسیار روشن و واضح و در زمان صحیح است، از آنجا که شما یک سرباز واقعی هستید، می خواهید که به موفقیت دست پیدا کنید.»

"You being cadaverous, it is logical that when we are working with the death, one appears as a cadaver.

"The child means the Innermost.

So then all this teaching is very clear, precise and at the right time, since you are a soldier who truly wants to attain superation."

نزدیک شدن ستاره دنباله دار هالی یا، "Dhumaketu" به زمین ما برای بشریت معاصر، در سال ۱۹۸۶ «آخرین بازگشت» قبل از فاجعه پایانی، که در حال نزدیک شدن است، یک نشان آشکاری است که تایید میکند که ما در پایان "Kali Yuga" («عصر تاریک») یا «عصر آهن» هستیم.

The approach of Halley's Comet, or "Dhumaketu", to our Planet Earth in the year 1986 was its "last return" for our current Humanity before the Final Cataclysm that is approaching, and an evident Sign that confirms that we are at the end of the "Kali Yuga" age ("Dark Age"), or "Iron Age".

Dhuma Ketu یکی از نام های لرد گانشا است که به او در Shodasha nama داده شده است. این به این معنی است که لرد گانشا Dhuma (دود) به عنوان معیار (پرچم) خود داشت.

Dhuma Ketu is one of Lord Ganesha's names given to Him in the shodasha nama. It means that Lord Ganesha had the Dhuma (Smoke) as His standard (Flag, "Banner", Ensign, Oriflamme, Pennon).

بر اساس روایات هند باستان، آخرین رینکارنیشن لرد گانشا یا گاناپاتی (که همچنین انوبیس، هرمس- انوبیس، یا تات- هرمس است) در عصر کالی یوگا kali Yuga یا عصر تاریک، عصر آهن (که ما اکنون در آن هستیم) بصورت "Dhumaketu" یا "Dhumraketu" (یکی از نام های گانشا)، متولد میشود. این نام در متن های سانسکریت قدیمی به ستاره ی دنباله داری داده شده که امروزه ستاره دنباله دار هالی است...

Ancient India traditions refer to the last Reincarnation of God Ganesha, or Ganapati (who is also Anubis, Hermes-Anubis, or Thoth-Hermes), being born in the age of Kali Yuga, or "Dark Age", the Iron Age (in which we are now), as "Dhumaketu", or "Dhumraketu" (one of God Ganesha's Names), the name that in the ancient Sanskrit Texts was given to the comet now called by the name of Halley's Comet...

گانشا (انوبیس، تات- هرمس، یا تات- موسی)، "Dhumaketu" در ریکارنیشن دوباره، در عصر کالی یوگا، یا عصر آهن، با دو دست معرفی میشود... سوار بر اسب.

Ganesha (Anubis, Thoth-Hermes, or Thoth-Moisés), "Dhumaketu", in his Reincarnation in this Kali Yuga Age, or Iron Age, is represented with two arms... and riding on his Horse...

اشتباهها ادعا شده بود که عصر کالی یوگا بعد از چند هزار سال به پایان خواهد رسید، کسانی که این تفسیر هارا کرده اند، از متون ودیک که اشاره به پایان عصر آهن می کند استفاده کرده اند. اما همه این ارقام و عددها سمبلیک هستند و همه نبوت و پیشگویی ها به روشنی نشان میدهد که مربوط به این دوره است.

It was erroneously asserted that the Kali Yuga would end within several thousand years on the basis, according to those who assert so, of interpretations of figures of thousands years found in Vedic Texts that refer to the end of the Iron Age. These figures are symbolic, as clearly demonstrated by the fulfillment of the Prophecies and the deeds themselves that we, all Humanity, are witnessing.

واقعیت محض، قبلاً آخرین بازگشت ستاره دنباله دار، "Dhumraketu", "Dhumaketu" یا هالی "Halley" تأیید شده است، در سال ۱۹۸۶، در متن های سانسکریت نوشته و پیش گویی شده که آخرین عبور ستاره دنباله دار در «کالی یوگا» «عصر تاریک» «عصر آهن» است و این یک مدرک غیر قابل انکار است که تأیید میکند که ما در پایان «کالی یوگا» هستیم.

The mere fact, already scientifically confirmed, of the last return of the Comet "Dhumaketu", "Dhumraketu", or "Halley", in the year 1986, and foretold in the Sanskrit Texts as its final coming in the "Kali Yuga", "Dark Age", or "Iron Age", is an unquestionable evidence that confirms that indeed we are at the end of "Kali Yuga".

ما در روزهای پایانی هستیم همانطور که بوسیله پیامبر دانیال پیشگویی شده است:

We are in "the Latter Days" foretold by THE PROPHET DANIEL:

- ۱ در آن زمان، فرشته اعظم، میکائیل، به حمایت از فرزندان قوم تو بر خواهد خواست. سپس چنان دوران سختی پیش خواهد آمد که در تاریخ بشر بی سابقه بوده است، اما هر که از قوم تو نامش در کتاب خدا نوشته شده باشد، رستگار خواهد شد.
- ۲ تمام مردگان زنده خواهند شد بعضی برای زندگی جاودانی و برخی برای شرمساری و خواری جاودانی.
- ۳ حکیمان همچون آفتاب خواهند درخشید و کسانی که بسیاری را به راه راست هدایت کرده اند، چون ستارگان تا ابد درخشان خواهند بود.
- ۴ سپس به من گفت: اما تو ای دانیال، این پیشگویی را مثل یک راز نگه دار؛ آن را مهر کن تا وقتی که زمان آخر فرا رسد. بسیاری به سرعت حرکت خواهند کرد و علم پیشرفت خواهد کرد.
- ۵ آنگاه من، دانیال نگاه کردم و دو نفر دیگر را نیز دیدم که یکی در این سوی رودخانه و دیگری در آن سوی آن ایستاده بود.
- ۶ یکی از آنها از آن فرستاده آسمانی که لباس کتان برتن داشت و در این هنگام بالای رودخانه ایستاده بود، پرسید: چقدر طول خواهد کشید تا این وقایع عجیب به پایان برسد؟
- ۷ او در جواب دو دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و به خدایی که تا ابد باقی است قسم خورد که برای زمانی و دو زمان و نصف زمان خواهد بود. وقتی ظلم و ستمی که بر قوم خدا میشود پایان یابد، این وقایع نیز به پایان خواهد رسید.
- ۸ آنچه را که او گفت شنیدم، ولی آن را درک نکردم. پس گفتم: «ای سرورم، آخر این وقایع چه خواهد شد.»
- ۹ او جواب داد: ای دانیال، تو راه خود را ادامه بده، زیرا آنچه گفته ام مهر خواهد شد و مخفی خواهد ماند تا زمان آخر فرا رسد.
- ۱۰ عده زیادی پاک و طاهر خواهند شد، ولی بدکاران به کارهای بدشان ادامه خواهند داد. از بدکاران هیچکدام چیزی نخواهند فهمید، اما حکیمان همه چیز را درک خواهند کرد.
- ۱۱ و از هنگامی که تقدیم قربانیهای روزانه منع شود و همه جا را تاریکی فرا گیرد هزار و دویست و نود روز خواهد بود.

۱۲ خوشا به حال آن که صبر می کند تا به پایان دوره هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد!
۱۳ اما ای دانیال، تو راه خود را ادامه بده تا پایان زندگیت فرا رسد و بیارامی. اما بدان که در
زمان آخر زنده خواهی شد تا پاداش خود را بگیری. (کتاب پیامبر دانیال ۱۳-۱۲)

"1 And at that time shall Michael stand up, the great prince which standeth for the children of thy people: and there shall be a time of trouble, such as never was since there was a nation even to that same time: and at that time thy people shall be delivered, every one that shall be found written in the book.

2 And many of them that sleep in the dust of the earth shall awake, some to everlasting life, and some to shame and everlasting contempt.

3 And they that be wise shall shine as the brightness of the firmament; and they that turn many to righteousness as the stars for ever and ever.

4 But thou, O Daniel, shut up the words, and seal the book, even to the time of the end: many shall run to and fro, and knowledge shall be increased.

5 Then I Daniel looked, and, behold, there stood other two, the one on this side of the bank of the river, and the other on that side of the bank of the river.

6 And one said to the man clothed in linen, which was upon the waters of the river, How long shall it be to the end of these wonders?

7 And I heard the man clothed in linen, which was upon the waters of the river, when he held up his right hand and his left hand unto heaven, and swore by him that liveth for ever that it shall be for a time, times, and an half; and when he shall have accomplished to scatter the power of the holy people, all these things shall be finished.

8 And I heard, but I understood not: then said I, O my Lord, what shall be the end of these things?

9 And he said, Go thy way, Daniel: for the words are closed up and sealed till the time of the end.

10 Many shall be purified, and made white, and tried; but the wicked shall do wickedly: and none of the wicked shall understand; but the wise shall understand.

11 And from the time that the daily sacrifice shall be taken away, and the abomination that maketh desolate set up, there shall be a thousand two hundred and ninety days.

12 Blessed is he that waiteth, and cometh to the thousand three hundred and five and thirty days.

13 But go thou thy way till the end be: for thou shalt rest, and stand in thy lot [in Your Shechinah or Nukva] at the end of the days". (Book of the Prophet Daniel, 12: 1-13).





ما عاشق همه موجودات، همه ی بشریت هستیم
هر انسانی، بشریت است.

«باشد که همه ی موجودات خوشحال باشند!»

«باشد که همه موجودات سعادت‌مند شوند!»

«باشد که همه موجودات در صلح باشند!»

من نوشتن این کار را،

با کمک خدا- الله تمام کردم،

بین ۶، ۷ و ۸ اگوست ۲۰۱۹.

با همه ی قلبم و عشق عظیم

برای خوبی همه ی

بشریت مسکینی که رنج میبرد

لونیس برناردو پالاسیو آکوستا

بودیساتوای

مستر محترم تات موسی

www.testimonios-de-un-discipulo.com

We love all Beings, all Humanity.

Every Human Being is also Humanity.

"May all Beings be Happy!"

"May all Beings be Blessed!"

"May all Beings be at Peace!"

I have finished writing this work,

with the Help of GOD-ALLAH,

between August 6, 7 and 8, 2019.

With all my Heart and with Immense Love

for the good of all

Poor Suffering Humanity

Luis Bernardo Palacio Acosta

Bodhisattva of

V.M. THOTH-MOISÉS

www.testimonios-de-un-discipulo.com

The distribution of this Pdf is completely for free



